

پیام کمیته مرکزی سازمان

نوروزتان فرخنده باد

عید باستانی نوروز، این یادگار نیایگان ما فرا رسید. جشن خجسته رستن و روئیدن، تکوین و تکوین، تازگی و خرمی بدخا نه ها مان با گذارده است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، فرارسیدن نوروز باستانی را به تمام هم میپایان تا دباش می گوید. در آستانه این عید بیاری، سعادت و نیک بختی برای همه شما و روز و روزگاری نو برای میهن برفاقتارمسان آرزو می کنیم.

هم میپایان! زمستان سرد که بزمردگی می براكند، رفت و جایش را به بهار زندگی آفرین گرفت. این تسلسل حیات طبیعت بی شارت می دهد، زمستان استبداد آخوندی خمینی که مرگ و سیا هر روزی می براكند رفتنی است و بهار آزادی که زندگی و بهر روزی به باری آورد خواهد آمد.

در سالی که گذشت حکمت هفت ساله ایران و عراق با یان گرفت. با یان جنگ و خون ریزی میان دو کشور که خمینی آن را جامزه ری درک ما با کوش توصیف کرد، جنمهای مردم بسیاری را سه روی جنابیت های خمینی و دیگر سران رژیم کشود. مردم دیدند که خمینی تنها به خاطر اهداف ارتجاعی و جاه طلبانه خود صدها هزار را از راهی کورستان هسا کرد، میلیون ها نفر را آواره نمود، صدها هزار را غلیل و عا جز ساخت و بخش های بزرگی از سرزمین ما را به آتش کشید و ویران کرد. جنابیت هولناکی و خسارات عظیمی که خمینی تنها از رهگذر ادا محک به مردم و میهن ما روا داشت تا بدان پایه است که سلسله ای از عذاب های دروغ و جنایت و دروغ و عذاب خواهد بود و تولید و باز سازی ملی تا آنجا نیز قادر به ترمیم آن نخواهد بود.

هنوز ناله های جانسوز قربانیان جنگ در گوش ما طنین انداز بوده که خمینی به حساب بست هولناک دیگری دست باز زد و قوا جعلی دیگری آفرید، زندانیان سیاسی کور را قتل عام کردید. رژیم طی جنایت دهشتناکی بیش از هزار تن از انقلابیون دربند کشور، زنان و مردانی را که سیر یک بختی و سعادت مردم، جز صلح و آزادی و عدالت سودای دیگری در سر نداشتند، به جوخه اعدام سپرد.

استبداد او ختنای کز بر لولای جمهوری اسلامی بر میهن ما سطرده دارد، هم قوای مردمی، ملی و میهنی ما را به بند کشیده و مانع از زندگی، تکوینی و بالندگی است. با مبارزه در راه دستیابی به بهار آزادی با بدترین زمستان سیا آخوندی با یان داد.

هم میپایان! دشمنی رژیم آخوندی خمینی با مردم و آرمان های ملی و میهنی ما ابعاد کونا کونی دارد. این رژیم حتی به سن و آداب عیسویت باستانی نوروز نیز به چشم دشمنی نگردیده هر شرفندی در راهی اعتبار کردن عید ملی و مردمی نوروز دست می زند. بر مردم ما ست که به مشا سه جلوه ای از نفرت و انزجار روزم حویا نه خود به رژیم آخوندی خمینی این عید باستانی را به بزرگ داد و نه همه آداب و رسوم مربوط به آن را با سرزندگی هر چه بیشتر به جا آوردند.

مردم آزاده ایران! روزهای عید به دیدار با زمانه ننگان شهدای خلق بروید! از خانواده های زندانیان سیاسی دیدار کنید. با همدردی و همستگی با بازماندگان از شهدای خلق و خانواده زندانیان سیاسی از دیدار زیدهای نوروزی جلوگیری سکوهمندی از عزم روزمیتان علیه رژیم آخوندی خمینی برپا سازید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با دیگر نوروز باستانی را به شما تا دباش می گوید و برای همه مردم ایران نیک بختی و بهر روزی آرزوی می کند.

هر روزتان نوروز نوروزتان نوروز

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول فروردین ماه ۱۳۶۸

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره برگزاری پلنوم اسفند ماه ۶۷

در صفحه ۲

گزارش سیاسی پلنوم کمیته مرکزی

پیرامون اوضاع سیاسی

در صفحات ۴ و ۵ و ۶ و ۷

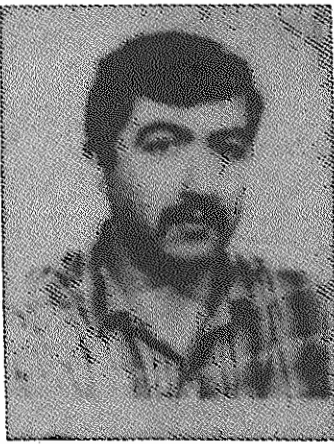
اعلامیه کمیته مرکزی سازمان

رفیق رحیم اسداللهی انقلابی پرسابقه، فرزند فداکار مردم، اعدام شد

در صفحه ۲

رژیم فدمردمی و ددمنش خمینی دست به جنایت تازه ای آلود. رفیق رحیم اسداللهی - علی جرگه - انقلابی پرسابقه و عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، پس از گذشت نزدیک به ۶ سال از امارتش در زندان های جمهوری اسلامی، در روز ۲۴ بهمن ماه ۶۷ توسط دژخیمان رژیم تیرباران شد.

رفیق رحیم اسداللهی نقش بزرگی در حفظ موجودیت و یکپارچگی سازمان در سالهای دشوار ۵۶ - ۵۵ بر عهده داشت. او در سازمانگری جنبش هم فرمان مبارز و فعالیت شریخی سازمان ما در قیام ۲۲ بهمن ماه ۵۷، سهم نمایان و افتخار آفرینی داشت. شهادت رفیق رحیم اسداللهی ضایعه بزرگ تازه ای برای جنبش انقلابی مردم ایران است.



یادنامه رفیق رحیم اسداللهی در صفحه ۲

چهار میلیون مهاجر ایرانی باید به میهن بازگردند

اکنون حدود چهار میلیون ایرانی آواره، غریب و مصیبت زده در پنج قاره عالم سرگردانند. از امریکتا ژاپن، از اروپای غربی تا اروپای شرقی، از آسیا تا آفریقا، به هر کجا که نظر بر بیافکنی، انبوهی از هم میپایان ما، دور از میهن خود، دور از خانه و کانه و موطن خسود، دور از سرزمینی که در آن زاده شدند و رنج کشیدند و عشقش را در جان خود نهفته اند، زندگی بسیار سخت و درد آوری را سپری می کنند. آنها برای هر عرصه از امور زندگی، برای کار کردن، فعالیت کردن، تحصیل کردن زبان مادری خویش، شرکت در زندگی و سرنوشت کشور خویش، ساختن یک زندگی مطمئن و آینه دار زیر فشار و ستم و حتی در معرض تحقیر و تبعیض هستند. این جمعیت عظیم مرکب از نخبه ترین سیاسی مردان، متخصصین، هنرمندان و ادیبان و خادمان وطن، هر روز خود را با انتظاری رنجبار برای با یان گرفتن این رنج دراز و با یان یافتن این شب تاریک با ال افتانده بیروطن سپری می کنند. برای آنان بازگشت به وطن آرزوی است که هر روز و هر روز در شعله ورمی گردد. اما در بنا که دیوار بلند ارتجاع فقا هنی و شمشیر خونبار با ساران جهل و جنابیت همچنان آرزوی آتشین آنان برای بازگشت به میهن و اسکان در خانه بقیه در صفحه ۸

هراس خمینی از شکاف در جبهه حزب الله

روز سوم اسفندماه، خمینی پیام مهمی خطاب به "مراجع اسلام، روحانیون سراسر کشور، مدرسین و طلاب حوزه های علمیه و نامه جمعه و آقا تا دادگسده قبل از هر چیز بیانگر سراسیمگی و آرزوآیندگی معذلات جاری و اضطراب عمیق آنست به آینه سده رژیم ولایت فقیه است. از آنجا که بیای های بعدی خمینی، و منحلطه اظهارات او در آستانه سال نو همه همان خط بیای سوم اسفند را تکمیل می کنند، حسا دا رده که مضامین این بیای متوجه بیشتری شود.

اهمیت این بیای مدر چیست؟ واقعیت آن است که بنا فرجامی و شکست اوها متعظت طلبا ت سه و ما جراحویا نه خمینی، با اکثریت اختلاف حکومتی و تشدید صف بندی جناحها و با ندهای درون حاکمیت (به ویژه پس از برقراری آتش بس)، بحران شدید اقتصادی و افزایش نا رضایی و بی اعتمادی مردم نسبت به رژیم آخوندها دلایل لازم را برای احساس بیس و نگرانی از جلال و آینه رژیم در مقامات حاکمه به خصوصی خمینی ایجاد می کند. اضطراب و احساس خطر خمینی از شکل گیری اختلافات اساسی در در جبهه حزب الله و روحانیت حاکم است. صحبت تنها بر سر این با آن رسته اختلافات در عرصه سیاست و اقتصاد نیست، بلکه فراتر از آن، بر سر تجدید نظر در سیاست، دیپلماسی و اصول است، بر سر جمع بندی کارنامه ده ساله جمهوری اسلامی، بر سر شعارها و مواضع و بر سر حکومتی آریایی راه طی شده است. مدتی است که در حاکمیت منحلطه برای شخصی خمینی، نه تنها اختلافات حکومتی و وجود جناحها، بلکه تشکیک مشروعیت آنها امری مسلم و بدیهه شده است. در فتوای معروف ۱۷ بهمن ماه ۶۶، خمینی به عیب کشید که اختلافات درون حکومتی را با اجادارگانی به نام "مجمع تشخیص مصلحت نظام" مهار کند، اما موج اختلافات از "سد" مجمع بقیه در صفحه ۲

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

شهادت رفقای قهرمان خلیل هوشیاری و ناصر عطایی در صفحه آخر روزگار را گرامی بداریم در صفحه آخر پیامدهای فتوای تروریستی خمینی در صفحه ۹ مساله افغانستان راه حل نظامی ندارد در صفحه ۹

یادنامه رفیق قهرمان رحیم اسداللهی تا به آخر با مردم و برای مردم

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) رفیق رحیم اسداللهی انقلابی پارسا، فرزند فداکار مردم، اعدام شد

در ۸ اردیبهشت سال ۶۲ با زدا شدن کردند و در ۲۴ بهمن ماه ۶۷ سینه‌های را آماج تیرهای خوفا اعدام شدند. اکنون طیش دل عاشق او چون آوازی با مویی نازیدر در گوش جانمایان طنین انداز است و به ما در میموند راهی که آگاهان نه‌ودا و طلبانند برگزیده‌ایم شور و انباشته می بخشد.

برای علی ، میزان همه چیز توده‌های مردم بودند. نگاه او همیشه در جستجوی خوشبختی و سعادت مردم بود. او با همین میزان و نگاه به جنبش و کدورت‌های کوچک و بزرگ می رفت و راه غلبه بر آنها را می یافت .

در سال ۵۶ ، وقتی توده‌های مردم ، سنگین و خوار شده شروع به برخاستن کردند ، اندیشه‌های نوین سده‌های دردهن او و روشنی و فوج نمایان تری پیدا کرد . حلقه مرکزی برای او و جگونیکی راه یافتن به میان مردم و توانایی کرده آوردن آنها به زیر پرچم‌هایی بخش سازما بود . این چنین بود که علی در مقام نقاد می جریکی برآمد و نقد پیشتاری در روی آوردن سازمان به مثنی سازمان تگری جنبش توده‌ای بر عهده گرفت .

او تصمیم‌زنده‌ای بنا رفودا کاری در راه مردم بود . عاطفه‌ای سرنا ردا نت و صمیمیت و فروتنی و بی خودی او ، حتی در نخستین دیدار رهساز آدم را با او یگانا می ساخت .

سابقه فعالیت سیاسی علی به سال‌های ۴۷ و ۴۸ برمی گردد . در زادگاهش شهر تبریز ، او نخستین آموزش‌های سیاسی خود را در ارتباط با رفیقین بهروز و رفیقانی آغاز کرد . بعد از فراغت از دبیرستان وارد نیروی هوایی شد و در سلک همافران درآمد .

علی تا آخر سال ۵۴ به عنوان همافر در نیروی هوایی باقی ماند . در سال ۵۲ ، به خاطر فعالیت‌های روشنگرانه‌اش در میان همافران مدتی در بازداشت به سربرد . سابقه فعالیت سیاسی او در میان همافران به او امکان داد که در سال ۵۶ و ۵۷ ، زمانی که جنبش همافران مبارز در آستانه انقلاب به سر برد ، نقش سازما نگارنده موثری در آن ایفا کند . در حقیقت ، او حلقه‌ای ارتباط سازما با جنبش همافران مبارز در آستانه انقلاب به سر برد .

از سال ۵۴ علی یکسره به مبارزه مخفی رو آورد و در صفوف سازمان جا گرفت . او در سال‌های دشوار ۵۵ و ۵۶ ، به مثابه یک رفیق توانمند در درک صحیح مسائل سیاسی ، در امر کار ترسوده‌ای و امکان سازی در خدمت ، علی طی این سالها که هر روزش با شهادت و دستگیری رهبران و کادر همایی سازمان همرا ه بود ، در شرایطی که سازمان در معرض تالانگری ساواک شاه قرار داشت و هر روز بر یکسره آن زخمی تازه‌اش تده می شد ، نقش بسیار موثری در حفظ موجودیت سازمان ایفا کرد .

استقامت و سخت کوشی علی ، آمیخته با شهنشایی و عظمت انقلابی سرشارش ، به تدریج حیات رزمجویانه سازمان را مساعدت بسیار نمود ، او هم برای رفقای که موفق به تکستن حلقه محاصره خانه‌های تبعی می شدند ، می ساخت ، هم مبارزت به ایجا دهسته‌های کارگری در کارخانه‌ها و محلات زحمتکش نشین می کرد ، هم هسته‌های هوادار سازمان می داد و هدایتشان می کرد و هم بسیار حسرت و دلآوری در عملیات جریکی شرکت می جست .

شخصیت انقلابی و مردمی رفیق علی در ماه‌های انقلاب بهمن و سال‌های پس از پیروزی انقلاب مردم اساسا با نقش او در تحکیم پیوندهای سازمان با کارگران و زحمتکشان توصیف کردنی است . او نیرومندی و بالندگی سازمان را در پیوند استوار و رخنل نایذیری با مردم جستجوی کرد و لحظه‌ای از تحکیم ارتباط و پیوند سازمان با مردم زحمتکش غافل نبود . کارهای ارزنده‌ای که علی در مقام مسئول کمیته انقلابی خوزستان درگسترش فعالیت‌های سازمان در میان نفتگران و محلات زحمتکش نشین خوزستان در سال‌های پس از انقلاب صورت داد ، از این اعتقاد صلی ما به می گرفت .

رفیق وقتی در اردیبهشت ۶۲ با زدا شد و به شکارهای رژیم خمینی با گذشت ، خود را با دژ خمینی را رو برودید که با خون مبارزان راه آزادی و پیروزی مردم و ضو می ساختند و از ناله‌های قربانیان در آوازی‌های شکنجه سرش می آمدند . او در برابر این واقعیت تلخ تنه‌ها می ساخت . همان اصال و نجات همبستگی به صاف جلادان برخاست و از جان دده دژ خمین بر کوه مردمی و انقلابی که با جان او سر نه‌نده بود ، دست بیا بند . نزدیک ۶ سال ، با بیداری حماسی ، علیرغم

همه پیمان ! رژیم خمینی در ادا همه کشتار زندانیان سیاسی ، رفیق رحیم اسداللهی ، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) ، مبارز باک با خند و آهنگ بختی و سعادت مردم را در صبح روز ۲۴ بهمن ماه ۱۳۴۷ به خوفا اعدام سپرد . این جنایت کویا با این نایذیری کینه حیوانی رژیم جمهوری اسلامی به مردم و مبارزان راه پیروزی آن است .

رحیم اسداللهی شخصیت انقلابی ثابت قدمی بود که در سال ۵۴ ، نزدیک به ۴ سال قبل از انقلاب بهمن ۵۷ ، از میان همافران مبارز ایران به صفوف فدائیان خلق پیوست . او طی سال‌های ۵۵ و ۵۶ زمانی که سازمان در نتیجه تالان و بیوردی ساواک شاه ، هیات رهبری خود را از دست داده بود ، نقش بزرگی در حراست از موجودیت و یکپارچگی سازمان ایفا نمود .

رفیق رحیم اسداللهی در ماه‌های قبل از انقلاب بهمن ، در جریان اوچگیری مسبارزات زحمتکشان خانه‌نشینان و نفتگران بالانسگاه تهران ، نقش بسیار نگرانانه‌تری بر عهده داشت . فعالیت‌های ایسج کهنده و در رابطه با جنبش همافران مبارز نیز از صفات ارزنده او به حساب می آید .

رحیم اسداللهی بودایی جز عشق به مردم و نیک بختی و سعادت آنها در سر داشت و در راه مردم و برای مردم اسانی با کجا خسته بود . شخصیت انسانی مردمی و انقلابی او ، پرورده زندگی و کار در میان مردم زحمتکش بود . او که خود از نوا ده‌ای زحمتکش برخاسته بود ، در تمام سال‌های فعالیت انقلابی خویش در راه اکثرش و تحکیم پیوندها سازمان خود با کارگران و زحمتکشان لحظه‌ای از تلاش و فعالیت باز نایستاد . پیوسته عمیق او با زحمتکشان و درک زندانیان از توده‌های مردم موجب گردید ، نقش بی‌شروبی در رو آوردن سازمان به مثنی سازمان تگری جنبش توده‌ها ایفا نماید . به خاطر علاقه و توجه ویژه

شکفته‌های حسنی و روحی توان سوز ، با دژ خمین دست و پینه‌تر می گردید و با انجام رفیق قهرمان ، صفا ، رفیق "علی جریک" بود که دژ خمین را به زانو و در آورد .

دژ خمین در شما مدت اسارت او را آذین توصیف می‌کردند "که هنوز سر موضع خودش ایستاده است" . آری رفیق علی بر سر مواضع خود در دفاع از منافع مردم به آخرا بستاد . او را رجمله گمانی بود که حیره روزانه نفاق داشت . مقاومت و بیداری او در زندان و در شکفته‌ها هیای رژیم خمینی به سینه زندانیان سیاسی الهام می بخشید تا در برابر ددمنشی‌های جلادان خمینی با یاد را و تسلیم نایذیر نای بمانند .

سازمان بیدیری او با جلادان و قداره‌نندگان خمینی حدود مردمی شناخت . جلادان به همه وسایل برای در هم شکستن رفیق علی توسل جستند ، اسلحه و در تمام لحظات ، و علیرغم هر ترسند و مالوسی وفادار به مردم و آفرمان خود باقی ماند .

شهرت دارنده که در یکی از با زجوبی‌ها ، وقتی سر با رجو از شدت عصبانیت بر روی علی کتک کشید ، او با ریشخند سینه سر نه‌ خود را پیش آورد و سر نه زد " اگر مرد هستی بز نوا گرامنی توانی ، بده به من سبب حجوی می رزم .

در آخرین با زجوبی‌ها به او گفتند ، " اگر به خواستمان با ن کردن ننگداری مدت طولانی زندانی نخواهی ماند و اعدا م خواهد شد " . پاسخ علی چنین بود ، " مهم چگونه زندگی کردن است نه چقدر زندانی ماندن . من برای همه چیز آماده هستم " . و با لایحه آخرین کلام دژ خمین با او این بود : " صاحب‌سیا اعدام " و رفیق قهرمان ما ، هم‌تگونه که سست سازمان ما است ، به دژ خمین نه گفت و با سرگ سرخ از شرف و کوهرا انقلابی و مردمی خود و سازمانش دفاع کرد .

رفیق رحیم اسداللهی در آخرین دیدارها با شکوه‌مندانه روحیه سخنانی بر زبان راند که طنینش امروز و فردا ایمان الهام خواهد بخشند . این آخرین کلام رفیق علی حرکت است ، بخوانیم . بلند و آستانه دهنجو : نم .

" ما در جان ، همسر ما ، نام ، ممکن است مرا بکشند ، اما ندکند من سخی‌خواسم را حجتان بکشم ، اگر مرا کشتند به خاطر من لاس ساه سپوشید ، لاس فرسوسد . به مردم محل بگوئید رحیم به خاطر

کار در میان کارگران و زحمتکشان ، مسئولیت کمیته‌های لاتی خوزستان به عهده‌وی گذاشته شد . فعالیت‌های سازمان نگارانه او در این مقام به تحکیم پیوندها سازمان با زحمتکشان خوزستان و ویژه نفتگران مساعدت بسیار نمود . زحمتکشان و نفتگران مبارز خوزستان ، رحیم اسداللهی را که با نام مستعار رفیق علی جریک شهرت داشت به مثنی نام و چهره‌ای محبوب آشنا ، پای بند و وفا دار به مردم زحمتکش در خاطر گرداند . رفیق رحیم اسداللهی در سال ۶۱ به پاس خدمات گرانقدرش به جنبش انقلابی مردم ایران و فعالیت‌های شمر بخش در حیات سازمان به عضویت کمیته مرکزی سازمان نایل آمد .

رفیق اسداللهی در اردیبهشت ۱۳۴۲ توسط دژ خمین خمینی در شهر اهواز با زدا شد . حکومت آخوندی خمینی طی نزدیک به ۶ سال با توسل به خشن‌ترین شکنجه‌های جسمی و روانی ، با تحویب و تهدید ، کوشش چندی عظیمی به عمل آورد که او را به زانو آورده و چهره مردمی و انقلابی‌اش را خدشه دار سازد . آخرین کلام دژ خمین با رفیق اسداللهی این بود ، " صاحب‌سیا اعدام " و رفیق قهرمان ما سرگ سرخ را برگزید . قلب گرم و پیونده خود را چونان شعله جا و بد بر فراز دستهای خویش افراشت تا برای رهروان راه او ، جاودان بر خوانشان باشد .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) ، به‌حما سه با بیداری رفیق رحیم اسداللهی درو ده‌ای آتشین نثار می کند . خاطر هاست با ک افتخار آفرین رفیق "علی جریک" جاودا نشسته باقی خواهد آمد تا دوبرای که برای سعادت و پیروزی مردم خود می یوشیم ، نواخوا هدفشانند .

یادش جاودان و راهش پر رهرو باد
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)
اسفند ماه ۱۳۴۷

عصمت خان‌ما و تمام زحمتکشان محل شهید شد . به آنجا بگوئید او همیشه به خاطر شما زندگی می‌کرد و حالا به خاطر شما کشته شده است .

علی در آخرین دیدارها شنی شکسته و رنجور اما جانی شفته و سطره ورداشت . می‌گویند تمام موهایی سر صورت او سپید شده بود . رفیق کبیر ، رحیم اسداللهی تا به آخر دستگر مردم ، با مردم ، و برای مردم رزمید و هستی خود را به پای آرمانش گذاشت .

یادش جاودان و راهش پر رهرو باد .
بر یونانیان اشک مریز
هنگامیکه اندیشه‌شان می یابی
بر یونانیان اشک مریز
هنگامی که به زانو می‌آید
کار در دستخوان و قیش برگردن
بر یونانیان اشک مریز ،
نگاه کن اینک اوست که خیز بر می‌دارد
نگاه کن اوست که دیگر با ره خیز بر می‌دارد
شهادت را بازمی یابد ، می غریب ،
و درنده وحشی را
به چنگک خورشید فرو می‌کوبد .
با نسیس ریتوس ، ناعرا انقلابی یونان
ار " ترانه‌های میهن تلخ "

مهاجرین
باید آزادانه به کشور بازگردند
پیگرد و سرکوب سازمانهای
سیاسی باید قطع شود

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان

درباره برگزاری پنلوم اسفند ماه ۶۷

پنلوم کمیته مرکزی روز دوشنبه ۱۵ اسفند ماه ۶۷ با بزرگداشت خاطره فدائیان خلق و دبیر میارزانی که در فاطمه دویلنوم هدفاً نتایج خوبی رژیم خمینی قرا گرفتند و به شهادت رسیدند، آغاز میگردد. پنلوم با تخیل و تخیلاتی رفقا رحیم اسداللهی و مهدا لاهی اعضای کمیته مرکزی سازمان و محمدحسن دیانک شوری و حمید منتظلسری، اعضای سازمان و کمیته مرکزی و کارهای غیرمستقیم فدائیان، همه فدائیان خلق ایران را به یاد آید میبرد در راه آرمان شریف و انسانی آنان قرا خواند.

پنلوم کمیته مرکزی طی یک هفته مسائلی را که در دستور کار خود داشت مورد بررسی قرار داد و در فضای سخنان از احساس مسئولیت نسبت به حفظ یکپارچگی رژیم و محو یا نهی آن در هر زمینه، تصمیمات مشخصی اتخاذ نمود. اهم مسائلی که در پنلوم اسفند ماه کمیته مرکزی بررسی شد، عبارت است:

- ۱- بررسی گزارش هیات سیاسی دربار و اصلاح سیاسی کشور و ضرورت ارتقاء و انتصاب آن توسط هیات سیاسی
- ۲- بررسی وضع و چگونگی فعالیت گروه‌های سازمانی در داخل کشور و اشکال مناسب فعالیت در شرایط فعلی
- ۳- بررسی نتایج فعالیت کمیسیون برنامهدار و اطمینان نظریه‌ها و آراء
- ۴- بررسی مسائل رویدادها و کنگره و نحوه رسیدگی به پیشنهادات دبیران و ضوابط کنگره
- ۵- بررسی و تصویب برخی قرارها و قطعنامه‌ها

بیرا مون جهات مختلف فعالیت سازمان در بررسی گزارش اوضاع سیاسی کشور، پنلوم کمیته مرکزی بر اهمیت کارهای تاکتیکی در تمرکز کردن فعالیت سازمان در مبارزه علیه رژیم تأکید نمود. همچنین اهمیت اشکال فعالیت‌های علمی و نیمه علمی و قانونی در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرا گرفت و بهرگز نباید بیشتر از آن ضروری شناخته شد. پنلوم به هیات سیاسی وظیفه داد که محتاطت مربوط به شعارهای تاکتیکی را دنبال کند.

دربلوم اشکال سازماندهی و فعالیت‌های نیروهای فدایی در روند آتی مورد بحث قرار گرفت. پنلوم با تأکید بر سازماندهی، از به کار گرفتن الگوی واحد یادگذاشته احتیاط نمود. اصل تنوع رعایت گردد. پنلوم تأکید کرد که هر چه سازمانی از نظر تعداد فعالین خود باید محدود شود باشد. پنلوم همچنین درجهت تمرکز ساختن فعالیت‌های سازمان به برنامه علمی و انقلابی را رهنمودها را به تصویب رساند.

یکی از موضوعات مهم پنلوم بررسی نتایج فعالیت کمیسیون برنامه و وظایف نظریه‌ها و آراء بود. پنلوم گزارشات کمیسیون برنامه را مورد بررسی قرار داد و تلاش کمیسیون در راستای تحمیل برنامه به برنامه علمی و انقلابی را مثبت ارزیابی کرد. پنلوم تصمیم گرفت که تصویب طرح برنامه سازمان جهت ارائه به کنگره، به بعد از پیروزی بحث و اطمینان نظریه‌ها و اهداف در تکمیلات موکل گردد. پنلوم موافقت کرد که کمیسیون برنامه و وظایف کمیسیون برنامه و وظایف را به تصویب رساند. موضوع مهم دیگری که در دستور کار پنلوم قرار داشت، نحوه رسیدگی به پیشنهادها و پیشنهادها می‌باشد از اعضای سازمان و دبیران می‌باشد.

اساسی تعیین نهاد پندکان و کنگره و قطعیت بخشیدن به ضوابط کنگره بود. پنلوم نظریه‌ها و پیشنهادهای گوناگون در این زمینه، تصمیم گرفت که جهت منا رکت مناظر همه نیروهای سازمان، تصمیمات پنلوم‌ها می‌باشد و ۶۶ و شهریور ۶۷ در سراسر این مبارزه به بحث گذاشته شود. علاوه بر آن تصمیم گرفت که مجمع بزرگی با حق رای قطعی جهت تصمیم‌گیری نهایی در زمینه‌های زیر اقرار خواند:

- بررسی پیشنهادها حول معیارهای اساسی کنگره و تصمیم‌گیری قطعی دربار آنها
- پیشنهاد کمیته مرکزی (با هیات سیاسی) در زمینه محدود نمودن کنگره
- پیشنهاد کمیته مرکزی در باره دستور کار کنگره

پنلوم کمیته مرکزی برخی قرارها و قطعنامه‌ها را به هیات‌های مختلف سازمان را به تصویب رساند و به هیات سیاسی ما موریت داد که سازمان را بر اساس پیشنهادها و تصمیمات لازم اتخاذ نماید.

پنلوم بررسی گزارش کمیسیون اساتید و اصلاحات و ارائه طرح اساتید توسط کمیسیون را به پنلوم تأیید کرد. پنلوم کمیته مرکزی در این اطلاعیه، هیات سیاسی، هیات دبیران و دبیران کمیته مرکزی را برگزید. پنلوم کمیته مرکزی با ابراز مسئولیت همه اعضای کمیته مرکزی در حفظ و تحکیم وحدت و رزمندگی سازمان در ۲۱ اسفند ماه ۱۳۶۷ به کار خود پایان داد.

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت اسفند ماه ۶۷

رأیا وضعیت فوق‌العاده بی‌فرج روبروی بینندگان این وضعیت ویژه‌ی این کنگره‌ی ناگزیر شد. سرنگ آتش بس را سرگشت، تشدید شده و مهمترین مشخصه آن تبعات ناشی از شکست سیاست جنگی رژیم، یعنی آسیب‌پذیری بی‌سابقه مواضع بیرونی خمینی در برابر منطق مردم و افشاش فکری و اختلال در جبهه حزب الله است. شکست‌های فاجعه‌بار رژیم در عرصه‌های مختلف، فلاکت اقتصادی، گسترش نا رضایی توده‌های، غیر قابل توجیه بودن مواضع متناقضانه برای بیرونی‌ها و بالاخره تشدید سردرگمی و پلنگ‌بازی حزب الله در جریان ستم‌ساز سیاست‌های جناح‌های مختلف حکومتی پس از آتش‌بس، تجزیه در صفوف حزب الله و اختلال در مواضع آنها را در این زده.

تجزیه در این نیروها با انگیزه‌ها و گرایش‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. از موضع‌بازیبندی به آرزوی ناخواسته بنیادگرایان که گرفته‌تبار گرایش به تجدیدنظر در سیاست، دیپلماسی، اصول، در حوزه‌های علمیه، در میان طلاب و مدرسین با حاشی جونی قلم‌نویسی و فقه‌بازیه اصطلاح بوی‌باز و احتیاطی، رابطه‌دین، حاکمیت و سیاست و حتی مسأله مشروعیت و با عدم مشروعیت نظام ولایت فقیه به طوری مطرح است و این مسأله‌ها تا از حد حرج و جدل فراتر رفته و موضوع اختلاف و صف‌بندی در میان روحانیون پیرو خمینی شده است. خمینی برای خاموش کردن این صداها و جلوگیری از اشتقاق درم، روحانیون را خود شدیدترین حملات را متوجه "اسلام آمریکا"، شریعت‌داری، "روحانی‌نماها" و "حقیقه‌ای‌ها" کرده است. در بیان نسبت به خطی که می‌گوید "دین از سیاست جداست" هشدار داد و گفت: "این شعار در حوزه علمیه‌ها گرفته شده است... باید توجه داشت که این تندگرا طلب جوان نفوذکنند". او متذکر شد که اظهار طعن‌ها و کینه‌ها نسبت به مشروعیت نظام "کار روحانیون طرفدار اسلام با محمدی نیست، بلکه کار روحانی‌نماهای طرفدار اسلام آمریکا است. نگرانی اصلی خمینی نیاز به اصطلاح اسلام آمریکایی بلکه از مباحثات تند است که در بین روحانیون طرفدار او در جریان است و تا حدی تا پیش‌رفته است. خمینی در این رابطه هشدار می‌دهد: "من هیچگاه نگران مباحثات تندطلبی در مشروعیت و اصول فقه‌نویسی و ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مومن به انقلاب... اگر خدای نکرده اصول این نیروها شکست شوند چه نیرویی جای آنها را خواهد گرفت". نتیجه می‌گیرد که اولین وظیفه خمینی شرط گذاشتن "شب‌تاب و گمراهی‌ها" را این می‌دانند که اولاً، آخوندهای جبهه حزب الله متوجه شوند و نیروی بیدگر شمشیر کشند. ثانیاً، در آراء رکنور مسئولیت بیشتر بگیرند و به جای ندرس حوزه‌ای، از گرفتاری مسئولیت دولتی خارج در دستگاه قضایی خودداری نوزند؛ در همین رابطه از اینکه "در اول انقلاب بقیه در صحنه"

نیرومندند هر که از خمینی برای دیدن و گوشه‌ای برای شنیدن ندارد مناظر می‌کند. تنها آخوندهای سالوس و نیکی‌گری چون خمینی هستند که همچنان با لجاجت جنون آمیز سیه را سفید، شکست را بیروزی، مصیبت را برکت و فلاکت را سعادت می‌نمایند. توده‌نیروهای طرفدار خمینی به عین می‌بینند که وضعیت به گونه‌ای نیست که خطی به نفعی می‌کند. آنها که آرزوی ناخواسته خود را عدالت‌طلبی در جریان انقلاب به محدوده خود محدود کرده‌اند و سرگشته‌ی راه‌پیمایان جمهوری اسلامی، امید به رفع نسیجی‌های اجتماعی، تعدیل شکاف‌های اجتماعی، قطع وابستگی به غرب و نامین استقلال آزادی را داشته‌اند، پس از ده سال حاکمیت خمینی به سلطه دربار نشسته و درمی‌بایند که نه فقط از زمین رسیده، نه قانون‌کار تصویب شده، نه دست‌نهادن بر ما به داران و کلان‌تجار از هستی مردم‌گوناختند و نه کما ینی در وضعیت اقتصادی کار همه و کشور بیداد آمد، برعکس، اوضاع در همه عرصه‌ها، از اقتصاد گرفته تا فرهنگ، به نحو غیر قابل انکار، از افکار نگرین‌ترند، به تنها آرزوی ما، بلکه سیاست‌ها و دساتین و انقلاب نیز یکی پس از دیگری زایل شدند. این نیروها رفته رفته احساس کرده‌می‌کنند که ده سال در این سراب بوده‌اند، احساس می‌کنند که امیدوارمانان به نفعی گرفته شده و حاصل از خودگذشتگی‌ها و فداکاری‌ها برآور نشدن زالوها و مستکبران بوده است. این نیروها احساس می‌کنند که مغفون شده‌اند. در این نیرو رفته رفته تردید نسبت به باورها و شعارهای رسمی و رایج، تضعیف انگیزه "در صحنه بودن"، احساس استقلال و برهیزاری آلودگی بی‌نیرویی حتی تقابل و انتقام جویی نسبت به آنچه که به دروغ باور داشته‌اند، شکل می‌گیرد. هراس و اضطراب خمینی نیز از همین است. خمینی در بیان من به این نکته عتراض می‌کند: "تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی چیزی به دست نیاورده و با ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام مصلحت‌انداز مردم‌منتهی می‌شود؟" بیدیهی است که جز این نیست، خمینی که برای ارتکاب و توجیه هر جناحی طی این ده سال به "امت حزب الله در صحنه" می‌کند، طبیعتی است که نمی‌تواند تا حدی خیال رنگ باختن و فروپاشیدن انگیزه‌های آنان باشد.

خمینی برای حفظ "امت حزب الله" با هزار قسم و آیه به متضعان "اطمینان می‌دهد که: "علمای اسلام هرگز بر ما رسماً به داران و پیسول - بر ما رسماً به داران در یک گام نیست. روح نیست متعبد به خون رسماً به داران را الوهیت تشنه است و هرگز با آن سرآشینی نداشته و نخواهد داشت. او در نوحه این دروغ‌های و قبحا به وحشت انگیز می‌گوید که: "تا به در اطمینان نظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزرا احساس کند که جمهوری اسلامی از مواضع اصول کسرسده است!"

خمینی به نفعی واضح و مانی حکومت خود را آخودی، پس از ده سال از مومن قدرت، اینک خود

هراس خمینی...

بقیه از صفحه اول

تشنه‌ی صلحت سرزیر کرد و در روای آن قرار گرفت، به نحوی که چند ماه بعد، این مجمع عملاً موضوعیت خود را از دست داد. آنگاه خمینی در بیان می‌کند که "منصور ادبی" پیرو شد، ولی با وجود جناح‌های مختلف حکومتی را پذیرفت و کلی اختلافات را به گونه‌ای داد و بگذرد که او سرانجام کار بر سر ندر پیام ۳ اسفند خود: به روحانیون، با اعلام اینکه "من همه جناح‌ها را فرزند خود می‌دانم، مشروعیت با آنها و جناح‌های حکومتی را نیز بپذیرد. اما همچنان که گفتیم، سال‌ها از روز خمینی تنها پذیرش مشروعیت جناح‌های حکومتی نیست بلکه احساس خطر از شکل‌گیری اختلافات و تعارضات در عرصه‌های بنیادی تری است. منتظری در سخنرانی ۲۲ بهمن خود برای اعنا سیه، بی‌سبب، خاوندان نهاد... درم، ارزیابی از کارنامه ده ساله جمهوری اسلامی ارائه داد که شواهدی است. او تصریح کرد که "انقلاب در اصول و اهداف خود موفق نبوده است. او در سخنانی بر نکات و مسائلی انگشت گذاشت که مدتها است ذهنیت بخش‌گیری از نیروهای پیرو خمینی را به تحمیل خود آزرده‌اند. به خود مشغول داشته است. منتظری در سخنانش به افت شدید روحیه مبارزانه، از دست رفتن جوانان کشور و برافروختن امگانات و منابع اقتصادی در ده سال حاکمیت جمهوری اسلامی اشاره کرد و طی خواستار بربرسی این بیدیه است. او سیاست رژیم را در مورد جنگ و نیز شعارها و سیاست‌های دیگر صریحاً مورد انتقاد قرار داد و گفت: "آیا ما جنگ را خوب طی کردیم یا نه؟ دشمنان ما که این جنگ را تحمیل کردند آنها پیروز از کسار درآمدند... باید اینها بررسی شود... حقدردان این مدت شعارهایی دادیم که غلط بوده و خیلی از آنها ما را در دنیا منزوی کرد. مردم دنیا را به ما بدبین کرده و هیچ لزومی هم برای این شعارها نداشتیم. گفتیم همین است که ما می‌گوئیم. بعد هم فهمیدیم که اشتباه کرده‌ایم. باید بفهمیم که اشتباه کرده‌ایم."

این ارزیابی از بیلان ده ساله جمهوری اسلامی و این تفاوت‌ها از مهمترین شعارها، سیاست‌ها و عملکردهای رژیم خمینی، اهمیت‌تیا در این نیست که منتظری آن را گفته است. منتظری ممکن است برای این قضاوت با فشاری کند، آنسرا تعدیل کند و یا حتی آن را اساساً نپذیرد، مسأله مهم این است که این ارزیابی‌ها بیش از آن که از آن منتظری باشد یا قلمبه‌را ده وجود او و امثال او باشد، انعکاس روانشناسی و وقایع توده‌سببی از نیروهای پیرو جمهوری اسلامی است. و این خود تنها انعکاسی بسیار کم‌رنگ و ناقص از ذهنیت توده‌پریمی است که قربانیان اصلی سیاست‌های جنگ طلبانه، سرکوبگرانه و ضد بشری ولایت فقیه بوده‌اند. توده‌نیروهای پیرو خمینی نیز جبهه سخاوتمندانه نخواهند با کنوری جنگ زده، اقتصادی و بران وارد می‌شوند و صمیمت دیده‌واستیدار کسرسده خواهند و واقعیت‌های عینی آن‌ها را ناسند و

گزارش سیاسی پلنوم کمیته مرکزی

پیرامون اوضاع سیاسی کشور

هرچند از زمان تشکیل پلنوم شهرپور... ۶۷ مدت زمان زیادی نگذشته است، اما طی این مدت تغییر و تحولات مهمی در کشور روی داده که بررسی حیات عمده آن جا بر اهمیت است.

مهمترین واقعه میان دو پلنوم، فاجعه هولناک و تبهکارانه قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی است. چنین تبهکاری در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است. هزاران نفر از فرزندان مبارزمردمان ایران به خاطر مبارزه در راه اهداف ترقی خواهانه و مردمی و دفاع از آرمان های انسانی به قبیح ترین و فنی قتل عام شدند. بهر سبب اساسی اطلاعات جمع آوری شده توسط سازمان تاکنون آسامی ۷۰۰ نفر از شهدای اقدام های اخیر مشخص شده است. در میان اعدام شدگان عده ای از اعضای کمیته مرکزی سازمان، رفقا رحیم سادات الهی و صداملای اعضای کمیته مرکزی و قهرمانان بزرگ مقاومت، رفیق قهرمان و برجسته محمدمحسین دینا تک شوری و رفیق فداکار حمید منتظری اعضای مشاوره کمیته مرکزی، رفیق بیکارجو، حسن دشت آرا، کاربرسته شرکت کننده در پلنوم و سایر افراد فروردین ۶۸ و بیش از ۸۰ نفر از بهترین کارمندان و فعالین سازمان ما قرار دارند. بسیاری از همسران و کارمندان و فعالین پسران به حزب سوده ایران، عده ای از همسران و کارمندان سازمان فدائیان خلق ایران (پیروپایانه ۱۶ آذر)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمان چریک های فدایی خلق، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان زمینگشان کردستان (کومله) و بسیاری از کارمندان و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و حتی تعدادی از روحانیون و وابستگان به خود رژیم از جمله قربانیان تبهکاری فاشیستی اخیر هستند.

جنايتكاران حاكم پراي بران شكاركشيري از زندانيان سياسي کشور را، چه آنها که محکوم نشده بودند، و چه آنها که به بیجا دغا راه نیاخته بودند، چه کسانی که مدت محکومیتشان با بیان نیاخته بود چه کسانی که تاقی اسیر شده بودند از دم تیغ گذرانند. این تبهکاری همچنان ادامه دارد. کشتار و سرکوب به میزان در دسترس ادامه نمی شود، همه ادعا می کنند که پسران نیز رژیم به جان آمده اند. اکنون همه می پرسند که رژیم از دست زدن به جنایت هولناک قتل عام زندانیان سیاسی کدام اهداف را دنبال می کند؟ به اعتقاد ما دلیل قتل عام زندانیان سیاسی روشن است و رژیم همواره در تلاش بوده جنبش مردمی است و بر همین بسترد مکرر اقدامات را نیز به مثابه یک بخش جدی و فعال و تشدید کننده جنبش به خون کشید. قتل عام زندانیان، هم با هدف سرکوب نهان جنبش در زندان ها و هم با هدف وارد کردن ضربات به کل جنبش دمکراتیک و انقلابی و مرعوب کردن سازمان های سیاسی صورت گرفت. تشدید بحران در سیاست ها که پس از قطع جونت و تگرانی های ناشی از وخامت اوضاع جامعه می تواند عامل تحریک رژیم به این قتل عام در مقطع زمانی کنونی باشد. وسعت جنایت و کشتار اخیر در حدی بود که بعضی از نزدیکان حکومت نیز از آن مومن نمادند و این امر اعتراضاتی را برانگیخت. رژیم آزادی کش ولایت فقیه که سالهای زیادی به بهانه جنگ، استبداد دقرون وسطایی خود را حتی به زندگی فردی و خصوصی مردم میهن ما مسلط کرده و استبدادی ترین حقوق و آزادی های آنها را لگدمال می کند، حال بهر آن قدر نیست به این وضع ادا می دهد. رژیم ولایت فقیه بیش از پیش به تقابل با مردم کشیده می شود.

پس از توقف جنگ، رژیم برای بازسازی کشور، و مقابله با فلج اقتصادی به وسیله گسترده امکانات اقتصادی مالی و انسانی نیا زمین شده است. لازم است امر جلب و جذب نیروی انسانی متخصص و کارآست، ایجاد اعتماد و اطمینان نسبت به رژیم و ترسیم وضع سیاسی با ثبات در اذهان را می طلبد. برخی از سران حکومت می کوشند چهره را بی کنند و در راه طبعی از تحمیل های ارتجاعی خود با هدف تا شیرگداری برافشای و لایحه ای اجتماعی معین دست به ما نوربزنند. در درون حکومت نیز نیروهای هستند که برای حفظ موقعیت خود، با بازگشت میلیون ها ایرانی که در آن و متخصص به کشور مخالفند و در این راه سنگ اندازی می کنند. سخنان اخیر خمینی مبنی بر اینکه بازگشت آنها نیا به بطوری باشد که از "انقلاب طلبکار باشد" و "حزب الله عزیز منزوی گردد"، از این مساله سرچشمه می گیرد.

بعضی از مقامات حکومتی به این نتیجه رسیده اند که ضروری است تا برای فراهم نمودن زمینه مناسب مورد نظر سرما به داران، به خاطر متعاند کردن آنها به فعالیت های اقتصادی همه جا ننه تر، در موردی قوانین و روش های حکومتی خود را تعدیل کنند، آنها را تا حدودی در تصمیم گیری ها دخالت دهند، و بعضی از موانع فقهی و قانونی را از سر راه بردارند، و در سمت انطباق رژیم ولایت فقیه با الزامات نظام سرمایه داری پیش روند. بسیاری از افسران بورژوازی نزدیک به رژیم خواهان چندین تعدیل هایی هستند حتی امکان زمین به سرای آنها را نظرو تا شیرگداری نیا بندگان آنها در سیاست گذاری ها، برنا مریزی ها و اقدامات اقتصادی و اجتماعی رژیم فراهم گردد.

درگیری جناح ها و دسته های درون حکومت و اظهار نظرهای متفاوت و اغلب به شدت ضدونقیص آنها پیرامون ضرورت اصلاحات در قانون اساسی، درک از "ولایت" و تعریف مختصاتی فقیه، تعدد مراکز تصمیم گیری و قدرت، بازنگری در سیاست های داخلی و خارجی و غیره... از این زاویه قابل توضیح است. رژیم بی اسیری جمهوری اسلامی که مشغول بی سابقه ترین وحشتناک ترین جنایت علیه مردم است، سخن از "آزادی فعالیت احزاب" به میان آورده است. هنگامی که حتی نزدیکان منتقد و آخوندهای وابسته به هیات حاکمه اعدام می شوند، سخن از آزادی فعالیت احزاب سیاسی، سخنی گزاف است. اجازه فعالیت به احزاب اسلامی، در شرایطی که سبیل خون در زندان های رژیم جاری است، در رابطه با جنگ قدرت در هیات حاکمه و شرکت دادن طیف وسیع تری از افسار بورژوازی در حیات سیاسی و اقتصادی جامعه است.

تردید نیست که برای دست اندرکاران، منظور از "فعالیت احزاب و گروه های سیاسی"، پذیرش و رسمیت یافتن حق انتقاد و اظهار نظر جناح های درون حکومت است، و حداکثر بخشی نیروهای مذهبی مرتبط با رژیم و یکی دو گروه بی اثر اسلامی با هدف دستاویز قرار دادن آنها در جهت تسخیر "آزادی احزاب" را در برمی گیرد. ما هیت ضد دمکراتیک و مردمی رژیم جمهوری اسلامی در مجموع با فعالیت گروه و دسته های مختلفی که در آگاه گرداندن توده ها، دخیل بوده و بدون بیعت با امام "و در "مسیر عا م ولایت فقیه" لب به انتقاد بگشاید، سازگار نیست. چه آرا بی ها و مانورهای رژیم در این زمینه متضاد و متناقض نیروهای است که در درون رژیم موقعیت خود را در برابر جناح حاکم، در ما طره می بینند. به علاوه بعضی از سران حکومت می کوشند تا با چندین مانورهای موقعیت رژیم را تحکیم کنند، زیرا اکنون آزادی مبرم ترین و موثرترین شعار جنبش اعتراضی علیه رژیم ولایت فقیه است. اوضاع بحرانی جامعه و نارضایتی عمومی و روی گسترش توده های از تحمیل های ارتجاعی مذهبی، جنگ قدرت در حکومت پیرامون سیاست گذاری و تصمیم گیری کل رژیم در مهم ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور، و ما هیت ضد دمکراتیک و استبدادی رژیم ولایت فقیه که اساسا از سیاست دادن دین و دستگا ه روحانیت بر حکومت سرچشمه می گیرد، از عوامل مهمی هستند که دسته ها و جناح های درون حکومت را درک حق انتقاد و بیان نظر آتشان در رابطه با سیاست ها و اقدامات یکدیگر کماکان درگیر خواهد ساخت.

شتا بگیری درگیری ها و تفرقه های درون حکومتی

برای بررسی همه جا ننه تریحان حکومتی بهتر است، روند های طی شده از زمان انتخابات مجلس سومتا هنگام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط سران جمهوری اسلامی را اشاره و مرور کنیم. این امر به ما کمک خواهد کرد تا تفرقه های درونی هیات حاکمه در حال حاضر را دقیق تر بشناسیم. از مدت ها قبل تر از انتخابات مجلس سوم جناح موسوم به راست و جناح رفسنجانی - دولت در مقابل هم صف آرای کرده بودند و عناصر موثر رژیم هر کدام از یک طرف پشتیبانی می کردند. در زمان انتخابات با مجلس سوم، جناح آخبر که دست بالا را در حکومت داشت، با حمایت خمینی و بهره گیری از نقش ویژه وزارت کشور تز "مجلس یکدست" را پیش برد و رسالت را عبق راند. مضمون اصلی اختلافات این دو جریان در آن هنگام همان اختلاف قدیمی بر سر حدود دخالت دولت و نقش بخش خصوصی در اقتصاد

بود، که در آن هنگام با شعارهای انتخابی سربان جدا شده از "روحانیت مبارز تهران" مزین شده بود که "با زکشت به موا عیاد ولید انقلا ب را مطرح می ساخت.

آندکی پس از آغاز کار مجلس، هنگامی که زمان شعارهای انتخابی با بیان گرفت و هریک از نمایندگان در سر جای اصلی خود قرار گرفتند آرایش نیروها در مجلس خصوصا زیر تا شیرما سیل مربوط به جان نشینی خمینی و پذیرش آتش بس گونهای دیگر شد. رفسنجانی با حمایت خمینی وظیفه خاص جنگ را به عهده گرفت و جمهوری اسلامی در میان بهت وحیرت هواداران خود، در ما زده از ادا جنگ و زیر فشار توده ای، در وضعیت ترین موضع آتش بس را پذیرفت. تقویت موقع و موضع رفسنجانی از یک سو خمینی و با حمایت خانه ای با تضعیف موقعیت آیت الله منتظری که از ادا جنگ و درگیری با آمریکا سخن می گفت، همرا ه بود. جدیدی قرارداد داد. مساله طروق و چگونگی بازسازی اقتصاد ایران شده کشور و ترسیم خرابی ها و مشتناک ناشی از جنگ هشت ساله، به عنوان عمده ترین مساله در مقابل رژیم قرار گرفت. شرایط و اوضاع و احوال جدید پس از جنگ، رژیم برای بازنگری در سیاست های گذشته تحت فشار می داد. قبل از این همه جناح های حکومت بر ادا جنگ تا کیدنا شتند و ما پیرما سیل را نسبت به آن فرعی می شردند. در آن هنگام برای جمهوری اسلامی مور اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی کشور عمده در خدمت جنگ بود با فکر ادا جنگ و مصالح سیاسی و تدا رکا تی آن رژیم خود، اما قطع جنگ تغییر در این سیاست الزامی گردید. سیاست گذاری و تعیین سمت گیری های جدید، توجه به آرایش نیروهای درون حکومت، تشدید تفرقه ها و درگیری های جناح ها و تغییر در ما سیل این درگیری ها را به همرا ه داشت.

مساله بازسازی کشور و به طور کلی سیاست های اقتصادی رژیم به تبع آن سیاست خارجی و در واقع چگونگی رابطه با غرب، در حال حاضر از شاخص ترین ماین تفرقه های درون حکومت هستند. در این چهار چوب درگیری و اختلاف در رابطه با نقش دولت و بخش خصوصی، مسایل مربوط به اختار حکومتی، نوع برخورد با مردم فعالیت های سیاسی و اجتماعی هم به طور حا دی چشم می خورد. جنگ قدرت بر سر قبضه هر ما حکومتی نیز به طور شدیدتری مطرح است. در میان جناح های درون حکومت بر سر مسایل مطرح شده اکنون دو گرایش عمده ما هستند. تکیون نیا فتنه به چشم می خورد که هر یک از آنها طیفی از نیروها را با خود همرا ه دارند.

شاخص ترین چهره یک جریان رفسنجانی است که در حال حاضر با خانه ای منافع و زیمن مشترکی با فتنه و زحامت بخش بزرگی از مقامات طراز اول رژیم برخوردار است. این جریان در مجموع راه حفظ رژیم و با سخوی به مشک ملان اقتصادی کشور را، رفیع هر ما محدودیتی در برابر سرما په داران بزرگ، اجراء سیاست اقتصادی "درهای باز" و گسترش و به به روابط با غرب می جوید.

رفسنجانی و دارو دستا و تلاش می کنند تا قبل از برگ خمینی سمت و سیاست رژیم را قطع کنند، قدرت خود را تحکیم و حریفان را از میدان بدر کنند. در حال حاضر آنها خواهان اصلاحات تسی د قانون اساسی به ویژه افزایش قدرت رئیس جمهور - که رفسنجانی خود را برای تضا حبا این پسر آمده کرده است - هستند. حمایت این جریان از تفسیر جدید و مطلق وضع سیاسی فعلی خمینی مشخضات ولی فقیه در "منشور برادری" که به صلاحیت سیاسی و اجتماعی فقیه و صلاحیت اطرافیان نزدیکان او تا کید کرد، و در واقع منتظری را مور خطاب قرار داد، از مهمی با یقه قابل بررسی است. با در رفسنجانی که در تضعیف موقعیت منتظری تلاش می کند، در پیشبرد این مکی کوشید تا با راهای تعدیل های عوام فریبانه برخی از قیودات و تحمیلات رژیم ولایت فقیه حلقه های موثر بوروکراسی و نیروهای مسلح را به خود همرا ه از دو حما تی برخی از افسار ولایت ها اجتماعی را جلب کند. جریان مهم دیگر حکومت هر چند به انداز زده اول انسجام دارند، ولی دارای سمت و نظرات که بیش یکسان نیست. عمده ترین مسائل مشترک ما ز عده درون حکومت است. حلقه های اصلی تشکیل دهنده این جریان که مجموعا تا چندی پیوسته و متحدین رفسنجانی در مقابل با رالت و ت محدودی رئیس جمهور بودند، امروز از رفسنجانی فاصله گرفته و در عمل در اکثر موارد با او همرا ه

نمی‌کنند. شاخص‌ترین چهره‌های این جریان را موسوی نخست وزیر کمپنی، محسنی و زیرکنش و خورشیدی ها دانسان کل تشکیل می‌دهند. این جریان می‌کوشد حمایت آیت‌الله خمینی و منتظری را جلب کند. این طیف‌ها در مقابل‌ها جریان مسلط، علیرغم بی‌سرنامگی و درک‌های نامنصف، به‌سراپا و حرف‌های نظیر "کمیته برنام‌یج" و "مکانات داخلی"، مخالفت با سیاست اقتصادی "درهای باز"، مخالفت با "بازکردن دروازه‌های کشور بر روی سرمایه" و "بازگشایی دروازه‌ها با تجدید نظر با آمریکا"، توسل جست‌و‌روی آنها ما نوری کنند. بخش مهمی از این جریان همچنان بر نقش بیشتر دولت در اقتصاد و کنترل بازرگانی خارجی توسط آن تأکید دارد.

جریان مورد بحث به‌علاوه بر تشکیل مجامع و شوراهای کارگزاران‌های قانونی را دور می‌زنند و بر مصلوب‌الاختیار شدن دولت" انتقاد می‌کنند، و بر ضرورت تعیین حدود اختیار رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، تنگنای کارنامه‌ها، اجرای قانون اساسی و... تأکید می‌نمایند.

طی ماه‌های اخیر آیت‌الله منتظری به‌سبب طرح انتقاداتی از مسئولان حکومتی برده‌است و آنان را به‌طور علنی تری از راه ضرورت اجسرای قانون و اظهار نظر آزادانه‌ها چای حکومتی مورد خطاب قرار داد. منتظری با تأکید بر اینکه در "سیاست تصمیم‌گیری‌ها و جرات‌ها با کشور خالی نیستی ندارد" تلاش می‌کند تا از مسئولیت اقدامات و تخطی‌های رژیم‌ها نماند. او اظهار کرده که "آزادی بیان و اظهار نظر در چارچوب اسلام و انقلاب" و مصالح کشور حق طبیعی و قانونی هر فرد، هر حزب و هر جناحی است. اومی گوید "قانون اساسی با سبب محور کارها و برپا شدن‌ها می‌شود". سخنان او به‌مناسبت دهمین سالگرد انقلاب در آنرا به‌سبب کارنامه منفی جمهوری اسلامی و فاصله‌ها را با بنی‌عمومی مردم از رژیم، اعتراضی افشاکننده بود. این ارزیابی خشم‌آمیزی را برانگیخت و در بیسایم اخیراً و به‌طور گسترده کشور، سبب‌ها مورد انتقاد قرار گرفت و محکم‌مناسبت شد.

اظهارات و اقدامات اخیر منتظری را طبعاً به‌عنوان اقدامی که بسیاری از عناصر ناراضی و آهسته و آهسته در برپا بودن حکومت با وی داشتند را تقویت می‌کند. بطور مشخص در برخی موارد هم‌نواپی‌هایی نیز میان عناصر دولت با او به چشم می‌آید. روندی که در زمینه موقعیت و روابط آیت‌الله منتظری با سایر عوامل رژیم طی می‌شود هم‌اکنون در طیف مردم‌لین رژیم با حساسیت و دقت بسیار زیر نظر گرفته شده است. این اختلاف‌روند تسبب در طری‌ها کرده است. به نظر ما این اختلافات در آینده قطعاً تسبب خواهد شد.

انتشار نامه سرگشاده منتظری طی ماه‌های اخیر که در آن دست‌اندرکاران رژیم در سبب‌ها شری بودن اقدام‌ها، و نحوه محاکمات و اعدام افرادی که قبلاً محکوم شده بودند، مورد ملامت واقع شده‌اند، همین احساس خطر بیشتر او را زودنی در حکومت طی می‌شود. او می‌بیند که سبب نیروهای معینی یوزمه تحت‌سلطه رفسنجانی نام مکانات خود را برای قلع و قمع دیگران بکار می‌گیرند.

منتظری با انتقاد و اظهار ناراضی از برخی از اقدامات رژیم اسلامی می‌کوشد با رفسنجانی خط و مرز بکشد و برای ازخودسپاری رژیم مورد نظرش بی‌ارجمیتی، انبساط‌گویی کند. او عسکری‌ای و انزوا در حال گسترش مردم‌پران از رژیم سرکوب‌گر ولایت فقیه و حمایت آنها از هر تندی مخالف، منتظری را وادار می‌دارد تا در برابر قدرت با رفسنجانی وضع موجود خود را در نظر بگیرد. این اظهارات به‌نوبه خود بر تاسیر و نفوذ او در بدنه حکومت و در بیس نیروهای حاشیه رژیم می‌افزاید.

در باره جریان موسوم به رسالت با بدگفت، گرچه این جناح وزن و نفوذ سابق خود را ندارد، اما همچنان یک نیروی متشکل و جدی در صفوف حکومت است. رسالت در لحظه کنونی خواست‌های خود را در عمده‌ترین وجوه از جمله در برخورد با دولت به‌موضع رفسنجانی و خامنه‌ای نزدیک‌احاسی می‌کند. این جریان در حال حاضر فلاح می‌بیند تا نظرسراوات خواست‌های خویش را از طریق رفسنجانی و خامنه‌ای پیش برد. در این دور امکان‌ها و نیروهای رسالت در پیش‌کارگانه‌ها و نهادها حکومتی از جمله مجلس، در خدمت تقویت رفسنجانی و خامنه‌ای و تضعیف مخالفین آنها قرار دارند.

خمینی‌گمان‌ها می‌کوشد تا با نوره‌های بار بارانه و یوزمه خود مانع از گسیختگی شیخ‌رازه امور گردد. اما نهاد‌های دسته‌های درون حکومت به‌حدی حد‌هاست که هر جناح با تمایل و خواست خود سخنان خمینی را تعبیر و تفسیر می‌کند و نتایج مورد پسند خود را آن استخراج می‌نماید. رفسنجانی و مواضع ضد نفی خمینی با اعت‌ان شده‌است که میران حرف‌شنوی بیرونی از او گواهی می‌دهد. این امر به

نوبه خود بر نهاد‌های دسته‌های درون حکومت موثر بوده و سرشت آن خواهد افزود.

شدت‌گیری درگیری‌های درون حکومتی و افواج با سازمان اقتصادی و اجتماع کشتی‌ساز، خمینی را وادار می‌کند تا طی پیام‌ها و خبر خود به‌روا نیون کشور به‌جناح‌ها و دسته‌های حکومتی نسبت به سبب سرتوت رژیم‌ها رده. او همه‌پیر و انش را به‌سبب اتحاد و برپایی خود بدعت نمود و از بی‌ارک‌ه خط "آسی نایدیر" دارند مورد سرزنش قرار داد. پیام خمینی حاکی از احساس خطری از او و افواج نا‌بایان کسروبی اعتمادی وی نسبت به سبب عملکردها و سیاست‌های نزدیکان است. عدم موقعیت رفسنجانی در جرایمی مشکلائی که رژیم‌ها آنها در کسرو است، علیرغم حمایت همه‌جانبه‌ها خمینی از وی و بی‌سرنامگی رژیم‌ها تسبب اختلافات و مشکلات مردم، خمینی را سرا سبب‌کرده‌است. او به‌طور آشکار رسمی سیاست همه‌جناح‌های درون حکومت را مورد حمله قرار داده و در کردار و تلاش‌ها خود با سبب برانگیختن احساسات مذهبی بیرونی، موقعیت خود را تقویت کند. او هیچ‌سرنامه‌ها و تنگنای را مطرح نکرد تا توسل به شعارهای عوام‌فریبانه که سبب از ترفند و تجزیه قدرت جلوگیری کند و رژیم را حفظ و تنگنایماید. افزایش بی‌حیثیتی و گسترش عدم اعتماد مردم نسبت به روحا نیون‌ها که به دلیل کارها به‌مناسبت با آنها، گسترش انتقاد و اعتراض و تنگنایماید و رژیم‌ها با سامانی‌های اقتصادی و اجتماع، خمینی را وادار می‌کند تا به‌دفعه از روحا نیون برود و افواج نا‌بایان کشور را که حاصل ده سال حکومت تنگنای خود‌هاست توجیه کند و منتقدین درون حکومت را مرعوب نماید.

انگنون خمینی تلاش می‌کند تا با تمرکز بیشتر قدرت در دست خود بر نهادها و درگیری‌های دسته‌های حکومتی سرتوت خود را در پیروانش را متشکل سازد. به این منظور او هم‌سراوات هر چه بیشتر موقعیت خود به‌عنوان ولی فقیه سودجوی‌ساز و مستقیم و منتقدین درون و بیرون رژیم‌ها را خا مونی نماید.

طی روزه‌های آتی درگیری جناح‌های حکومتی در عرصه سیاست‌های اقتصادی که در سبب‌ها با زاری رژیم و بخش دولت و بخش خصوصی در اقتصاد تجلی می‌یابد، بیرونی سیاست خارجی و نوع رابطه با غرب و همچنین در رابطه با اختیارات حکومتی و فعالیت‌های سیاسی ادامه خواهد یافت. یکی از عرصه‌های فیزی که درگیری و کشاکش دسته‌ها در آینده به‌طور جدی حول آن تمرکز خواهد یافت، آزادی فعالیت گروه‌ها و جریانات مذهبی و آهسته به حکومت با هدف سیاسی و فیزیکی جناح‌ها در اظهار نظر و انتقاد از سیاست‌های جناح غالب است. در بررسی نهاد‌های درونی رژیم باید توجه داشت که اولاً، این جناح‌ها همچنان در حال تغییر و تحول هستند و شکل ثابتی نیافتاده‌اند، ثانیاً، هر یک از جناح‌ها و دسته‌های حکومتی فیما بین‌روها را در بر می‌گیرند که سبب به‌منافع خویش و بی‌انگیزه‌های گاه هم‌فراوات، در یک مقطع هم‌سراوات‌ها، این امر به‌جناح‌ها و یوزمکی‌های طبقاتی و اجتماع‌های روحانیت که هر یک از آنها در دولت‌ها و نیروها و عناصر در مقابل مختلف و سبب به‌سبب گوناگون امر محتملی است که با ید مورد توجه قرار گیرد.

همچنین با بدو جناح‌ها که جناح‌ها و دسته‌های درون حکومت علیرغم اختلافات‌ها دودرگیری در این با آن مورد، در زمینه حفظ نظام جمهوری اسلامی و استبداد مذهبی، در زمینه وجود املی ایدئولوژیک و دفاع از منافع روحانیت و نیز در زمینه سرکوب خشن دمکراسی متحد و یک‌پارچه‌اند.

این رژیم در کلیت خود ارتجاعی، استبدادی و فئودالی است و راه‌های مردم‌پران مبارزه در جهت سرکوتنی آن است. ما باید در برابر سرکوتنی رژیم‌ها با مبارزه‌های عقب‌را شدن آن و ایجاد و گسترش فرصت‌های که در نتیجه کشاکش درون رژیم متضورات با سرکوتنی و شیوه فعالیت خود را با توجه به دور عرصه مبارزه ضد فقیه کنیم.

فتوای قتل "سلطان رشدی"، تروریسم آشکار

به دنبال انتشار رکاب "آیات شیطان‌نوی" اعتراضاتی که در هندو پاكستان روی داد، خمینی کوشد تا با صدور فتوای حیرت‌انگیز قتل نویسنده و ناشرین کتاب از موقعیت برای تحریک احساسات مذهبی مردم سوء استفاده کند. فتوای خمینی در این نسلیات بعدی مقامات ارکان‌های رژیم‌ها این بار در خدمت انحراف افکار مردم همین مسأله از مسایل و مشکلات داخلی و نتایج ده سال حکومت آنها و مقام خمینی در معرفی خود به‌عنوان رهبر مسلمانی جهان بوده‌است. خمینی با توسل به مسأله "سلطان رشدی" و بربر کردن آن کوشد تا با تحریک احساسات تشری مذهبی بیرونی خود، آنها را متشکل تر کند و ترفند وحدت‌سنجی در درون حکومت

را به نفع خویش تخفیف دهد. افکار عمومی مردم جهان حیرت زده از اقدام تروریستی آشکار خمینی در هتک حرمت آزادی، رژیم او را محکوم کردند. دولت‌های غربی درواکش‌بسه خواست مردم کشورها بیان و در تعقیب منافع خاص و استراتژیک خود در مقابل فتوای خمینی واکنشی هماهنگ و شدید نشان دادند.

صدور فتوای قتل "سلطان رشدی" و ناشرین کتاب آیات شیطان‌نوی جلوه‌ای از تروریسم است که با کم‌برمی‌ماند اما افکار گراما هیت فئودال-تشیکی و ارتجاعی و چهره‌های رژیم ولایت فقیه‌است، طبیعی است که ما مخالفان‌هاست به معتقدات و باورهای مذهبی مردم بوده و خواهان احترام به عقاید و افکار آزادی دین و مذاهب و شیوه زندگی مردم هستیم. اما رژیم‌ها آزادی خود خمینی با توسل به تروریسم و صدور فتوای قتل یک نویسنده و ناشران کتاب و چهره رژیم‌ها ستیاده و فئودالی خود را می‌اندر حاکمیت و دشمنی رژیم ولایت فقیه را با آزادی بیان و اندیشه و اعتقادات مردم برای جهان بیان و نمود.

اوضاع اقتصادی کشور و مسأله بازسازی

ادامه هشت سال جنگ، بی‌سرنامگی و سیاست‌های فئودالی و فئودالی رژیم ولایت فقیه و اوضاع اقتصادی کشور را به‌طوری‌سابقه ای از هم گسیخته‌است. اتلاف بسیاری از امکانات اقتصادی کشور در جنگ، اتلاف دهها میلیارد دلار ذخایر ارزی که می‌بایست پشتوانه فتوای اقتصاد و بهبود زندگی مردم قرار بگیرد، اقتصاد کشور را به وضع وخیمی گرفتار کرده‌است. سیاست ریز جمهوری اسلامی در حمایت بی‌قید و شرط از جناح‌ها که با فعالیت‌های غیر تولیدی نظیر واسطه‌گری و احتکار زمین‌ها را استعمار می‌کنند، از عوامل شدت بحران و فلاح اقتصادی است.

علاوه بر بخش خصوصی بسیاری از موسسات حکومتی و بنیادهای رنگارنگ و صندوق‌های قرض الحسنه، به‌مناسبت محاکمات حکومتی و سرمایه‌ها را بزرگ بازرگانان اصلی آنها هستند، به‌سبب جلا و بوجده کشور و در آمد ناگه مردم می‌شوند.

خوابی بی‌حاشی و خرابی بخش اعظمی از رخنات، بی‌کاری وسیع و خرابی کتا و زری کشور، مهاجرت وسیع توده‌های از روستاها به شهرها، رشدی نا به‌فعا لیت‌های غیر تولیدی و خدماتی، کسری قابل ملاحظه بوجده و... اینها فاجعه‌ها را وضع اقتصادی کشور را ناشی از جنگ را نشان می‌دهد. در چنین اوضاعی رژیم دست بردار نیست و باز بخش مهمی از بوجده کشور را به تدارکات جنگی اختصاص داده‌است.

برای بازسازی اقتصاد ایران شده و مسایل خراب شده کشور قبل از هر چیز باید تسبیح جنگی فاجعه‌ها بدو ختنگا و حشنگا که آخوندی کهنرویی انشایی متخمس کشور را برای داده‌است، در هم شکسته شود.

بازسازی کشور با اتکا به سیاست بزرگان گذاشتن دست سرمایه‌داران بزرگ داخلی و خارجی و مردم‌وزمین‌ساز برای تأمین امکان فعالیت گسترده انصارات امیرالیتی در ایران حاصلی جز افزایش فاصله بین فقر و ثروت و محرومیت بیشتر حشنگان نخواهد داشت.

به این منظور تسبیح همه‌امکان‌ها ملتی و استفاده در خورد و برپا موری شده‌ان، استفاده از امکانات سبب لمللی برای به حرکت درآوردن جرایح اقتصاد کشور ضروری است. استفاده از تکنولوژی پیشرفته و مدرن، استفاده از سیستم‌های جدید مدیریت و سازمان‌دهی برای راه‌اندازی و نوسازی صنایع و بیرون شده کشور لازم است. در این رابطه البته باید زهما مکانات موجود در کشورها پیشرفته، با مطالعه دقیق و بررسی‌های همه‌جانبه و در نظر گرفتن منافع ملی ایران سودجست. ما به هیچ وجه طرفدار آن نیستیم که در بازسازی کشور یک جانشین بر منافع ملی تأکید شود و انزوا اقتصادی به کشور تحمیل گردد. اما هرگز نباید در چگونگی استفاده از امکانات خارجی بی‌طرف نبوده و نیستیم. مسأله اصلی چگونگی و شرایط استفاده از تکنولوژی و امکانات خارجی است. ما از رابطه برابری حقوق با همه کشورها که مستثنی بر منافع طرفین و در خدمت شکوفایی و رشد اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم است دفاع می‌کنیم، اما سران حکومت از این رابطه اهداف دیگری را تعقیب می‌کنند.

رفسنجانی جناح‌ها را رودسته‌است و برای تحکیم موقعیت رژیم، سردی فرا را بر جان و سرکوب هر ندادی آزادخواهانه خود را با زندگانی‌های اقتصادی و سیاسی امیرالیتی‌ها می‌بیند. رفسنجانی وادار و دست‌ها گسترش رابطه با کشورهای غربی را به عنوان وسیله‌ای برای جلب حمایت آنها از جناح خود و تحکیم موقعیت خویش در جنگ قدرت در درون حکومت، مورد استفاده قرار می‌دهد.

برای بازسازی کشور ضروری است که هر شهروند ما همگام و هماهنگ با دولت و ملت کشور هدف قرار گیرد. بنا به همین جهت و بنا به موزون شدن دیدگاه‌های مختلف اقتصادی و غیردولتی در بخش‌های مختلف اقتصادی و غیردولتی کشور از میان برداشته شود. این امر بدون تهیه و تدوین برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و واقع بینانه اقتصادی و سیاسی همگام با دولت و ملت و با در نظر گرفتن کلیه نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور و با در نظر گرفتن کلیه نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور و با در نظر گرفتن کلیه نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور...

وضع مردم و زمین‌های گسترش مبارزه توده‌ای

کمیونود فوق‌العاده ما بابت احتیاج اولیه زندگی، بازاریاریه، تورمی سابقه و بیگاری میلیون‌ها تن، زندگی زحمتکش ما را فاجعه بار کرده است. حقوق ثابت کارگران، کارمندان دولت و معلمان با توجه به تورم سرسام‌آور کفاف زندگی آنها را نمی‌دهد. مردم برای تهیه ابتدایی‌ترین احتیاجات زندگی روزانه خود در میانه فقر افتاده‌اند. افزایش قیمت‌ها به سطح باورنکردنی رسیده است. سیاست رژیم در حمایت از تجارت بزرگ که عاقلان ملت را بیگاری کرده است، نشانگر بازاریاریه است. رفاه‌خواهی و فساد دیدگاه می‌کند، وضعیت افسارناپذیر است و درمان و کمبود داروهای ضروری سلامت مردم را به خطر انداخته است. مهاجرت از روستا به شهر و حاشیه نشینی بسط‌دهنده دور از ابتدایی‌ترین اوقات زندگی، افزایش بی‌بهره چشمگیری پیدا کرده است. گسترش بی‌سابقه قاچاق مواد مخدر که با ندهای وابسته به حکومت از کردستان تا اقلی است، و افزایش و حشمتناک اعتبار و سلامت جامعه و زندگی جوانان کشور را تهدید می‌کند. نارضایتی عمومی از این رژیم رخنه‌های استبدادی گسترده است.

مبارزه زحمتکش ما به خاطر تحقق خواست‌های و مطالبات مستقیم ما، از زمینه عینی مناسبی برخوردار بوده و اهمیت و ضرورت بیش از پیش یافته است. تا زمانی که اعتراض کارگران کشور که طی هشت سال جنگ سخت‌ترین لطافت به آنها وارد شده، طی ماه‌های اخیر وسعت بیشتری یافت. کارکنان در کارخانجات گوناگون به ویژه واحدهای مهم کلیدی کشور، برای بهبود شرایط کار و برطرف نمودن مشکلات و معضلات، برای بهبود شرایط کار و برطرف نمودن مشکلات و معضلات، برای بهبود شرایط کار و برطرف نمودن مشکلات و معضلات...

حکومت اعتراض کارگران و زحمتکش را کشتور هراس‌ناک دارد. اما قادر نیست جلوی مبارزات آنها را بگیرد. اوضاع استبداد اقتصادی و اجتماعی کشور و فشار بر کارگران و زحمتکش، زمینه ساز گسترش باز هم بیشتر اعتراضات کارگری است. جنبش‌های دانشجویی نیز به اعتراضات و استبداد بی‌سابقه حکومت کشور در ماه‌های اخیر وسعت یافت. دانشگاه‌های مختلف کشور شاهد اعتراضات و مبارزه دانشجویان بود. یکی از دانشجویان دانشگاه "علامه طباطبائی" در تهران در اعتراض به رژیم خودسوزی کرد. مبارزه دانشجویان در شکل دانشجویی داشت. با خواست‌های صنفی و رفاهی تسبیح شده دانشجویان و در مواردی نیز با اعتراضات به اقدامات ضد دموکراتیک رژیم و اعتراضات و استبداد حاکم بر کشور همراه بود. در بعضی از دانشگاه‌ها با سازمان‌های دانشجویی و دانشجویان را مورد ضرب و جرح قرار دادند و آنها را دستگیر کردند. انجمن‌های اسلامی به سرپرندگی علیه آنان برپا داشتند و مقامات دانشگاه به توصیه‌ها و اک‌رژیم به اجرا و تعلیق دانشجویان مبارز حکم دادند. اما مبارزه ما خوش‌بخت شد.

جنبش دانشجویی به عنوان بخش قابل ملاحظه اهمیت جنبش دموکراتیک کشور، نشان داد که علیرغم سرکوب و مظلومیت و وسع در دانشگاه‌ها، زینت نسبی درخور توجهی در مبارزه دموکراتیک برخوردار است. با توجه به سن و سوابق دانشجویان دانشگاه‌های کشور و نتایج و وزن جنبش دانشجویی در مبارزات دموکراتیک مردم، روحیات دموکراتیک جوانان و وضعی که برای دانشگاه‌ها و حکومتی در دانشگاه‌ها به چشمی خورد، توجه‌های به جنبش دانشجویی و تطلات

در جهت ارتقا سطح و اشکال مبارزه دانشجویان بیش از هر زمان ضروری است. مبارزه ما به دلیل از تحمیل‌های ارتجاعی و فرهنگ و هنرستیژی رژیم فقیها به تنگ آمده است. تا قبل مردم به موسیقی ایرانی و سینما و استقبال بیش از اندازه و روستفکاران از هنر تئاتر و تئاتر و کتب علمی و مترقی، رژیم را محور کرده است تا در این زمینه‌ها به عقب نشینی‌های مصلحتی و دهنده چهره آرای کند. یعنی از هنرمناسبتان، نویسندگان و بازیگران تا ترکشور در جنبش‌های به فعلیت دریاخته شده، تشکل‌ها و گروه‌های هنر مندانی شکل گرفته است. برخی نخریات غیر حکومتی انتشار می‌یابد. اینگونه امکانات در هر حد و اندازه‌ای برای اشاعه فرهنگ و هنر مترقی و مردمی سودمند است. با بدبازی سبط این امکانات کوشید و به فعلیت در محافل و تشکل‌های روشنفکری پرداخت. شکل‌گیری تشکل‌های هنری، فرهنگی و اشاعه فرهنگ مترقی و روشنفکر، نقش درخور در آگاه کردن مردم و مبارزه علیه اخطا و استبداد حاکم و تحمیل‌های ارتجاعی رژیم فقیها بازی خواهد کرد.

آزادی اکتون به عمده‌ترین شعار جنبش تبدیل شده و مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی و قطع کجنگه و عدم در راس آن است. به این خاطر کارمندان خانواده زندانیان سیاسی و سفیدپوش، یکی از عرصه‌های مهم فعالیت علیه رژیم و اخطا و در جهت اشاکری جنبش‌ها و رژیم و جلب حمایت مردم از مبارزان در بند است. با توجه به تعداد درباریان خانواده‌های زندانیان سیاسی و سفیدپوش، آگاهی از این مبارزه برای نجات جان عزیزان در بند است. اهمیت زیاد دارد. در این زمینه مبارزه با مبارزه با تشکل‌های ارتجاعی و ستم‌طلبی و مرمضت کردن آنها با هم‌فراهم نمودن زمینه حرکت اجتماعی و اعتراضی آنها به شکل و با هر روشی و سازماندهی اقداماتی که از گشتار فرزندان ایرانیان جلوگیری کند، استفاده شود. باید به آنها توجه داشت. اهمیت حیاتی است. با رباط نشان را یاد آورند. باید به هر طریق مانع از آن ندهد و ارباب رژیم برای جلوگیری از همبستگی و تماس آنها با هم و اعتراضات جمعی آنها به جامع داخلی و سراسری ملت را متوقف کند. باید با تشکل‌های ارتجاعی و ستم‌طلبان سیاسی را در سرکوت درموازه مبارزه با مبارزان و همبستگی و تفریق و ترغیب کرده و در جنبش‌های مبارزه با رژیم و ستم‌طلبان است. کنگه به خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی به خاطر از وظایف جدی با بدبختان توجه فراگیرند. جمع‌آوری کنگه به این منظور، به عنوان یکی از وظایف سازماندهی زندانیان سیاسی به آنها یاد آورند. شود و در عین حال از همه امکانات اشاکری در این رابطه بهره‌گیری کرد. این امر وظیفه همه نهادها، تشکل‌ها و تشکل‌های ترقی خواه مردمی، چه در داخل و چه در خارج کشور است.

اوضاع کشور و وضع مردم، حضور گسترده سازمان مبارزه توده‌ای علیه رژیم ارتجاعی است. علیرغم استبداد اخطا و حاکمان و ضرورت فعالیت انقلابی سازمان با فقه علیه رژیم وجود دارد. حفظ و گسترش واحدهای حسی به صورت غیر منظم و مخفی، و نهاد و حضور مستقیم ما سازمان در میان مردم، امری حیاتی است. در این رابطه با توجه به شرایط ۵ سال گذشته بود و دست کار در آزادی و حوصله و مسامحت‌گیری طبقاتی معین را پیش برد. نیروهای وسیعی که امکان و ضرورت سازماندهی آنها در واحدهای حسی وجود ندارد، چه محافل هوادار و چه رفقای منفرد، باید به توجه به اوضاع کنونی کشور مناسب با شرایط و محیط کار روزندگی خود را با تدقیق و با بسط امنیتی به فعلیت بردارند. با توجه به مسامحت بودن سال آزادی، با بدبختی و حشمت‌نورد محافل و جامع دموکراتیک در هر سطح و به هر شکل جنبش دموکراتیک را در سمت مبارزه علیه سرکوب و اخطا و تحمیل‌های ارتجاعی رژیم و حشمت‌نورد امنیتی به عنوان مظهر رژیم آزادی‌کش و استبداد و ولایت فقیه سمت داد.

با دارا مکان‌های هر چند محدود و موسمی که برای فعالیت در محافل علمی سیاسی و اجتماعی از جمله محافل فرهنگی، هنری، ادبی و... بدبخت‌آمده است استفاده کرد. با بددردگان تشکل‌ها و محافل گوناگون کارگری، کارمندی، دانشجویی، دانش‌آموزی، محلات و... محافل سرخوار و گردودار آنها حضور یافت. در مبارزه صنفی و سیاسی تشکل‌های مختلف شرکت نمود. آنها را با ندها دهه‌ها، محافل و تشکل‌های گوناگون علمی و مخفی و تلاش برای عدم دادن هر چه بیشتر رژیم باری کرد. بدبختان خلق که به دلیل سرکوب رژیم محور مبارزه شده‌اند، در سازمان‌های خارج کشور با

ضمن تلاش همه‌جانبه برای اشکال جنبه آزادی‌کش و استبداد رژیم خمینی در میان جهان با ندها و محافل گوناگون، تمام توان و انرژی خود را صرف مبارزه در کار مبارزه در داخل کشور کردند. هم‌زمان آنها در داخل کشور با مبارزه با تشکل‌های ارتجاعی، تدارکاتی ایران خود که در خارج کشور هستند، بهره‌مند گردیدند.

اکنون وظیفه مهم استفا دهانه‌ها مکانیست کوچک و بزرگ، بکارگیری شیوه‌های متنوع و گوناگون مبارزه، مبتنی بر شرایط و سطح جنبش‌های و اشکال طبقاتی خلافت‌ها و تشکل‌های روزمره مبارزه و رسمت‌گیری استراتژیک در جهت براندازی رژیم جمهوری اسلامی است. ضروری است در اینجا مختصراً به چگونگی پیشرفت مذاکرات صلح بین رژیم‌های ایران و عراق اشاره کنیم. واقعیت این است که با گذشت بیش از ۶ ماه از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم خمینی، و انجام چند دور مذاکره بین طرفین، هنوز در روند صلح پیشرفت قابل توجهی به دست نیامده است. نتیجتاً بین مذاکرات تاکنون، مبادله تعداد اندکی از اسرای دوطرف به دست است. هر یک از طرفین با قرار دادن بیش از شرط‌ها و انجام اقداماتی غیرمستولانه، مذاکرات صلح را به بن بست کشانده‌اند. در حال حاضر تمام عملی در عدم پیشرفت مذاکرات، قبل از همه با فشار رژیم ارتجاعی مدام به عدم پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر به عنوان مبنای گفتگوها، و عقب کشیدن نیروها پیش از کار ایران، به مبارزه با بین‌المللی است. مدام بر ادعای قدیمی و توسعه طلبانه رژیم عراق مبنی بر حاکمیت آن کشور بر سر راه روند دریا تشکلی می‌کنند و با فریب و با فتنه‌ها الجزایر که سرز دو کشور را خط القعر است، مورد بحث می‌دانند، بدبخت.

رژیم جمهوری اسلامی نیز با توسل به اعمال تحریک آمیزی نظیر آزاری کشتی‌ها در تنگه هرمز، جمع و تمرکز غیرعادی نیرو در مرز و کشور، عدم مواظبت با مبادله قیدو شرط اسرا و تلاش برای امتیازگیری به خاطر تعداد اسرای بی‌تلاشی که در اختیار دارد، در پیشرفت مذاکرات صلح کارشکنی می‌کند.

در آخرین دور مذاکرات رژیم عراق بی‌آزادی بی قیدو شرط اسرای جنگی، لایروبی روند درود، قطع آزاری کشتی‌ها در خلیج فارس توسط جمهوری اسلامی تا کیده‌اش. رژیم خمینی نیز انجام دور بعدی مذاکرات را بگویند به عقب نشینی کامل نیروهای عراقی از ایران نمود. به این ترتیب پیشرفت ۴ دهه‌ای دبیرکل سازمان ملل متحد که تا طریح و فصل موارد اختلاف با دشمن برای راهگشایی مذاکرات جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ بود، نتایجی به همراه نداشت. با این همه با تلاش‌های جدید سازمان ملل در نیمه دوم بهمن ماه دور جدید مذاکرات بین طرفین بر مبنای پیشنهاد جدید ارائه شده از سوی دبیرکل سازمان ملل سرگزرا گردید. این اجلاس‌ها نتایجی به بار نیاورد. اما طرفین مواظقت کردند که پس از چندین جلسه دیگری برای بررسی موارد اختلاف تشکیل دهند.

روشن است پس از هشت سال جنگ و خصومت و وجود اختلافات قدیمی بین دو کشور، دستیابی به صلح باید از امری دشوار است و اشکال و احساس مسئولیت همه‌جانبه می‌طلبد. اما رژیم‌های ارتجاعی دو کشور هر یک با اهداف و انگیزه‌های سیاسی خاص خود، هر فصل مسامحت آمیز موارد اختلاف را دشوار می‌کنند.

توقف مذاکرات صلح در حالی که هر دو کشور در حالت بسج جنگی خود را حفظ کرده‌اند، نگران‌کننده است. برای جلوگیری از اعمال ما چرا حقیقتاً استقامتی طرفین و شعله‌ور شدن مجدد جنگ، الزام است آتش بس تحکیم شود و مذاکرات پیش رود. به این منظور باید رژیم عراق را محور کرده‌اند و نیروهای خود را از خاک میهن به سمت مرزهای بین‌المللی توافقی شده و قرار داد الجزایر عقب کشند، و رژیم خمینی نیز چنین کند. حالت بسیج جنگی و تمرکز نیروها در حاشیه‌ها، تشکل‌ها و سازماندهی برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل به منظور تحکیم آتش بس و پیشرفت مذاکرات صلح، فرا هم شود.

پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر به عنوان مبنای گفتگوها و طرفین و اجرای مواظقتنامه ۵۹۸ شورای امنیت را عکس العمل سیاسی و مسامحت آمیز اختلافات است و می‌توانند چشم‌انداز صلح را بکشاید. همچنین اسرای جنگی، این قربانیان جنایات رژیم‌های مدام و خمینی باید بدون قید و شرط و به طور کامل آزاد شوند و زمینه‌های بازگشت دا و طلبانه آنها به میهنشان فراهم گردد. امتیاز گیری سرسرا و تشکل‌ها را در گذردن آنها که سالها در بندین شرایط ویرانه رژیم‌های ارتجاعی دو

لایحه بودجه سال ۱۳۶۷

مظهر و رشکستگی و واماندگی رژیم

لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور که قرار می‌گیرد پس از تدوین و تصویب "برنامه اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی" و براساس این برنامه مقبل از پایان ۱۳۶۷ تهیه و به مجلس سروده شود، در اوایل دی ماه سال جاری به مجلس ارائه گردید. دولت میرحسین موسوی ضمن حفظ وضعیت جنگی در کشور برنامه مقبل ساله توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در میانه ماه سال ۶۷ به مجلس برد و مجلس نیز بناچار کلیات آن را تصویب کرد. بودجه سال ۱۳۶۸ بدون ارتباط با این برنامه تنظیم و به مجلس ارائه شد.

واقعیت های موجود نشان می دهد که هیچ چشم انداز روشنی در برابر طراحان برنامه بودجه ریزان رژیم وجود ندارد و هر کسی برحسب موقعیت و روابط خود اندازه ویژه ای را ترسیم می نماید. این خود یکی از مظاهر نتایج فاجده رژیم است.

بودجه گذاری رژیم اساسا مبتنی است بر تهیه رزبه هر طریق ممکن. اما کاهش شدید درآمد نفت و نبود امکان دیگری جهت تهیه رز، درآمدهای مالی دولت را بسیار شدید کاهش داده است. تولید مومسات نیز اساسا افت جدی رو بر او است. در چنین حالتی افزایش مالیات ها و در یافتن قرض از سیستم بانکی که اساسا به معنی حباب شکناسی است نتوانسته است، تنها راهی برای تهیه رز باشد. حاصل این اقدام نیز در هر حالت شدید تورم و کاهش درآمد مردم و به ویژه زحمتکشان جامعه است و از سوی دیگر افزایش سرسام آلود درآمد و تورم را به بار می آورد. وضع اینک به این صورت درآمدها است که طبق برنامه داده های رسمی و غیر رسمی بدهی دولت به سیستم بانکی به رقمی بیش از یک هزار میلیارد تومان بالغ شده، نقدینگی بخش خصوصی به حدود ۱/۵ هزار میلیارد تومان رسیده و درآمد ملی به سطح ۱۵ سال پیش افت کرده است. با این توجه که دولت نسبت به درآمد ملی در شرایطی رخ می دهد که جمعیت کشور از حدود ۳۰ میلیون نفر به بیش از ۵۰ میلیون نفر رسیده است. این بدهی گسترش شدید محرومیت، نخست وزیر با بر رویی تمام مجلس اعلام می کند:

"ارز بل ۱۳۵۶ تاکنون مردم با به طور متوسط سالانه ۱/۲ درصد از مصرف خود کاسته اند... البته رقم ۱/۲ درصد تورم بسیار نا ارضا است زیرا اقسا بر مرفه در این مبارزه شرکت نکرده اند. محروم ترین اقشار این ملت و متعهدترین طبقات مردم نسبت به انقلاب حلیما ننویسند تنها بی تمام این بار را به دوش کشیدند". اگر این واقعیت را بد زبان ساده بیان کنیم، این حقیقت چنین می شود، در طبع سوسول ده سال حکومت آخوند ها، محروم ترین اقشار ملت هر سال فقیر تر شده اند و قدرت خریدشان با ثبات آهسته آهسته است. در این رابطه داده های کمیته سازمان هوایی ۲۸ دی ماه ۶۷ را مجدداً می کنیم، مطابق این داده ها ۵ میلیون نفر از اهالی کشور روزی ۶ ریال و به عبارت دیگری یک خانواده ۵ نفره ۳۰۰ ریال درآمد دارد. در حالی که ۹۰۰ هزار خانوار درآمدی معادل ۴۰۰ هزار تومان در ماه دارند. سالانه ۸۰ درصد ثروت کشور دست نیم میلیون نفر است و ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت ایران در حفره فقر زندگی می کنند.

علیرغم بدهی عظیم دولت به سیستم بانکی و با وجود پرداخت منافع هنگفتی در سال ۱۳۶۷، دولت میرحسین موسوی نتوانست هزینه های جاری کشور را تا پایان سال تا مین نماید و مجدداً در اوایل سال دیماه لایحه سری در یافت قرض بیشتری را به مجلس برد. فضای محتوای لایحه سری توسط روزنامه رسالت، حامل کمکت های درون حاکم های مختلف رژیم بود. نخست وزیر ضمن ارائه لایحه بودجه به مجلس می گوید، این بودجه با بودجه سال ۶۷ فرتی ندارد. بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور همانند سال قبل تا مین نماند زیرا در اکتوبر قرار گرفته است، یعنی برای نهمین سال بیش از بیست و دو بودجه به طور مستقیم و غیر مستقیم به جنگ اختصاص یافته است.

بدون در نظر گرفتن هزینه های ناشی از جنگ، هزینه های جاری نسبت به سال قبل ۲/۲ درصد افزایش نشان می دهد. علیرغم کاهش درآمد های دولت، لایحه بودجه رقم درشت تری را برای تغذیه دستگاه عریض و طویل دولت که هر روز گسترش بیشتری می یابد، اختصاص داده است. لایحه برای تا مین اشپای سیری نا بدیر آخوندها و آخوندها زاده ها بی گداری از موزر و کرکینه و گسترش دستگاه های سرکوب لایسی برای حفظ رژیم را می توان نیز نسبت ارقام ارائه شده بودجه سال ۶۸ نشان می دهد

که حدود ۸۰ درصد بودجه به هزینه های جاری اختصاص یافته است. حجت تا مین هزینه های فوق به دلیل کاهش درآمد نفت، دولت افزایش سهم مالیات ها مستقیم و غیر مستقیم را تا حد تا مین ۵۰ درصد بودجه درآمدهای بودجه در نظر گرفته است. در توجه به تحریر سال های قبل، طی حاکمیت آخوندها وصول مالیات از ما حبان درآمدهای کلان ناممکن بوده است و بنا بر این این رقم باید از ما حبان درآمدهای ثابت و کسب خیز وصول شود و این بار طاقت فرسای بردن زحمتکشان میهن ما است.

با وجود افزایش تولید و صدور نفت و افزایش رقم مالیات ها، مطابق محاسبه های تازه نماینده مجلس، بودجه سال ۶۸ بیش از ۱۴۰۰ میلیارد ریال کسری خواهد داشت. البته به دلیل اغراقی در آ میز بودن پیش بینی های مربوط به ستون درآمد در چند سال اخیر، دولت مجبور شده است در ثلث آخر سال لایحه منتهی بودجه را برای دریافت اجاره اجاره استقراض بیشتر از سیستم بانکی به مجلس ببرد و در سال ۶۸ نیز تکرار وضعیت سال های قبل تاگزیر به نظری رسد. هیچ مانع و برنامه ای در این جهت عمل نمی کند. تا آنجا که روزنامه اطلاعات می نویسد "تا زمانی که کسری بودجه و میزان استقراض دولت از سیستم بانکی و همچنین نقدینگی کلان بخش خصوصی تحت ضوابط مشخص و معینی در دنیا پیدا نمی توان مدعی برنامه عملی توسعه از یک سو و مبارزه با تورم و کاهش ارزش پول از سوی دیگر شد. وقت به بدهی دولت استقراض دولت از سیستم بانکی و صرف آن در راه هزینه های جاری نشنا تگر بیساری اقتصاد دی است که می با یستی به سرعت در راه معالجه آن کام برداشته شود. هر دو بودجه یعنی بودجه سال ۱۳۶۸ و منتهی سال ۶۷ نشنا تگر با تندی دستگاه بودجه بندی و برنامه مریزی جامعه است (اطلاعات ۱۲ آبان ۶۸). آری، واماندگی و در مانده گسی در برنامه مریزی و نبود هرگونه برنامه ای برای پای بندی به برنامه اقتصادی و رها شدن تولید و اقتصاد کشور و هزار اقدام مشابه آن، علیرغم ادعای رژیم در باره "دعما زای" همچنان بی اثر نگرداند و موشدید و بیرون گیری های رژیم در تولید و اقتصاد است. □



می کند، انجام گرفته است، قادر نیست بر عزم و اراده ما در مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین ظلی ایجا کند. هر چند اساساً فاجعه بزرگ و جبران نا پذیر است، اما اراده پولادین خلق ما و فرزندان بی پرومده آن، بر مستبدین حاکم بر میهن ما بی پرومده خواهد شد. رژیم خمینی با توسل به چنین جنایت های بی نیان و نادره را برای دستپا سی به اهداف ارتجاعی و ضد مردمی خود هموار کند. سران جمهوری اسلامی با بهره گیری از ضعف و پراکنده گی نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور جرات دست زدن به چنین جنایتی با بقای را پیدا کردند. آنها می گویند تا بسا تشدید اختناق و سرکوب نیروهای مترقی کشور زمینه را برای تثبیت و تحکیم رژیم خود قرار می دهند. اختناق و استبداد بی سابقه حاکم بر کشور ما رز برای آزادی را باعث و قدرت بیشتر برای مطرح کرده است. در حال حاضر مبارزه برای آزادی های سیاسی، از طریق مبارزه در راه توقف اعدا ما، نجات جان زندان سیاسی، علیه شکنجه و اعدام و تعقیب و پیگرد نیروهای انقلابی و دمگراتیک کشور، در راه وظایف همه ما زمان ها، اجزای و نیروهای ترقیخواه ایران قرار دارد.

فدائیان خلق همه نیروها و شخصیت های مترقی کشور را به مبارزه مشترک علیه شکنجه و اعدام و ترور و اختناق حاکم بر ایران فرا می خوانند. ما آماده و خواهان وسیع ترین همکاری در جهت کمک به خا نواده های شهدای اعدا ما ای خیر و زندان نیسان سیاسی کشور هستیم. در این راه ما با همه امکانات به طور مفتی سود جست.

در شرایط خاص کنونی با بد تلاشی کردنی نیروهای انقلابی و مترقی کشور متحد شوند و به صورت یک آ بوزیسیون قدرتمند برآمدند. فدا نیسان خلق به نوبه خود می گویند تا علاوه بر ورود ما تمام نیروی عرصه ما رز همه جا تنه علیه رژیم، در جهت ایجا دیک آلتربا تیو متحد کنند با شعار "درفس از طبع، آزادی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تلاش نما یند.

اوضاع کنونی و نیروهای اصلی جنبش ترقیخواه کشور، از همه احزاب، سازمان ها، جنبش ها، مجمع و شخصیت های مترقی ملحد و دست آرد؛ بیخو ه طلب می کنند تا با طریب مسابا رز در راه دمگراسی و بر انداختن رژیم مستبد و ضد مردمی جمهوری اسلامی متحد شوند. □

ایمانی مقیم کستان و ایران با ادا محسنک و کشتار باخ یافت. مذاکرات زود به زود رسال گذشته و در بی آن خروج کامل نیروهای نظامی از افغانستان و در افغانستان نشنا به تعادل جدی و اقدام موافق بینا به دولت های افغانستان و اتحاد شوروی در حل مسالمت آمیز است. تجربه نشان داده است که توسل به راه حل های نظامی که گه گاهی منکلا فغانستان نیست، تلاشی مسئولانه آن است که مرخص شود و راه حل های سیاسی مناسب با منافع مستبدم افغانستان متمرکز گردد.

با خروج کامل نیروهای شوروی از افغانستان و با پسند دولت های افغانستان و شوروی و با سر قرار دادن تو، اقدامات دیپلماتیک و صلح دوستانه آنها، زمینه برای جامعه جنگ و استقرار یک دولت اشتلاقی از افغانستان بی اثر هر زمان فراهم گردید. اما گروهی ای همت گاه به مقیم با کستان خصوصاً چپا کرگوه و بنیادگرای خمین آن کشور، با تکیه بر یک جانبه برخواست خود منی بر استقرار یک رژیم بنیادگرای اسلامی در افغانستان، و عدم پذیرش یک حکومت اشتلاقی مورد قبول همه طرف های درگیر، غیر مسئولانه بر داد جنگ و کشتار در کشور با فشاری می کنند، تا کید بر ادا محتنک حاصلی جز ویرانی بیشتر کشور و افزایش نا ملایعات و فقر و تنگدستی مردم افغانستان نخواهد داشت، و مسئولیت آن به عهده گروهی ای مورد حجت است. عقل سلیم حکم می کند که همه طرف های درگیر مانع مللسی را بدین رویه راه مردم افغانستان مینی بر حلال سیاسی مسایل کشور را ن کردن نهند.

مواجه رسمی اعلام شده توسط مقامات جمهوری اسلامی طی ماه های اخیر و به خصوص سخنان وزیر خارجه خمینی طی مسافرت بهمن ما خود به کستان، همه جا که ایران است که رژیم جمهوری اسلامی صلح در افغانستان را با خواست های توسعه طلبانه خود پیوندی دهد. رژیم خمینی چندین گرات با کستان دشواری وجود مذاکرات با گروهی ای مقیم با کستان، از خط منی مسئولانه با ن دادن نوری به جنگ و تشکیل دولت اشتلاقی با شرکت همه نیروها پیروی بگرداد است.

حنا بی بی با حفظ عام برداشتی میان سیاسی توسط رژیم ارتجاعی و اسپنادی جمهوری اسلامی که ما هدف تصعب آ بوزیسیون اشتلاقی و ترقی خواه کشور که در جهت بر اندازی رژیم مساباره

کشور قرار داشته اند، عطفی است حنا بیگ را که مغایر با تمام مبانی حقوق بشر که در عین حال به ر روند بی شرف است مذاکرات صلح لایحه واد می سازد. در اینجا لازم است به مواضع و سیاست های رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با همه با شرفی کشورمان افغانستان اشاره کنیم.

پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی خلق های میهن ما و افغانستان را به یکدیگر مرتبط می سازد. وجود زبان، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک بین خلق های ایران و افغانستان از بدیهات است. زمینها سازندگی و حسن همجواری دو کشور همسایه بوده است. دولت و مردم افغانستان بی پرومده مردم ما بر رژیم ها را چون ایرانیان جن گرفتند و از همان ابتدا از حتمتکشان ایران پشتیبانی کردند. حکومت افغانستان طی هشت سال جنگ ایران و عراق مواضع بی طرفانه خود را حفظ کرد و همواره بر ضرورت قطع جنگ و برقراری صلح از طریق مذاکره با فشاری نمود. در باره مناسبات دو کشور نیز این دولت همواره خواستار عدم مداخله، حسن همجواری و همکاری در زمینه مسایل مشترک بوده است. اما رژیم جمهوری اسلامی از فرادای بی پرومده انقلاب در ایران به تحریکات علیه دولت و ملت افغانستان آغاز زنداد. سران رژیم جمهوری اسلامی استقرار حاکمیت مردمی در افغانستان را که هدف آن تلاش برای درهم شکنی نظام کهنه و استقرار نظامی نو در کشور بود، با منافع ارتجاعی خویش دما زنیافتند. حضور وجود افغانستانی دمگراتیک و مترقی در همسایگی میهن ما و تا شیر گذاری آن بر مناسبات دمگراتیک و عدالت خواهانه مردم ایران، برای رژیم خمینی خوشایند نبود و به نیت، این امر سبب شده است تا رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز با بیورش فدا تلاقی اجبر با لیسوا و رجاع متفقد علیه انقلاب افغانستان همسوی کند. مواضع رژیم خمینی در رابطه با دولت جمهوری افغانستان و بی مسئولانه مداخله جویانه آن برای سرنگونی حکومت افغانستان با مواضع امیرالایم آمریکا، عربستان سعودی و سرگردگان ارتش با کستان یکسان است.

اینگار ملحد و دستا ندو مسئولانه دولت است افغانستان و اتحاد شوروی برای مصالحه مللی و پایان دادن به جنگ، علیرغم جنس نیت و عطف فراوان از جانب آنها، توسط باندهای مدا انقلاب

چهار میلیون مهاجر ...
خودشان را مانع می شود.

این مهاجرین کجاستند؟ از اقلیتی غارتگر و زرادند و خسته بگردیم، کین چهار میلیون ایرانی آواره بخیزد، بسیار مهمی از گرانقدرترین سرمایه های انسانی میهن ما هستند که استبداد و ارتجاع آنها را از کشورمان آواره کرده است. بخشی از مهاجرین شامل رهبران، کادرها، اعضا و هواداران سازمان های انقلابی، میهن پرست و مرضی هستند که در معرض شدیدترین انتقام جوی های رژیم خمینی اند. کارنامه آنها عبارت از کارنامه مردمی است که برای خواست ها و آرمان های بشری حق خود، برای قطع جنگ، برای برقراری آزادی در کشور، برای بهبود زندگی توده های مردم، برای پیروفت و ترقی میهن خود، برای بی افکندن حاکم های مبتنی بر عدالت و آزادی مبارزه می کنند و در این راه زندگی خود را نثار می کنند. این فرزندان شریف ایران، علی رغم تفاوت های طبقاتی، مسلکی و سیاسی، همگی امروز خواستار ریایان دادن به سبب ظلمانی استبداد فاشیستی و آزادی مردم ایران از زندان جهنمی آوندها هستند. رژیم ارتجاع با پایمال کردن آزادی، با منع هرگونه فعالیت قانونی احزاب و نیروهای سیاسی، با برقراری رژیم اختناق، آغازگر جنگی خونین با نیروهای مترقی کشور ما بود. در جریان این جنگ خونبار است که موازات شهادت و اسارت دهها هزار آزاترگان آسمان مقاومت مردمی، دهها هزار ریزش میهن خود آورده شده و برای نا مین شرایط تداوم نبرد، زندگی تلخ، رنجبار و فرساینده مهاجرت را پذیرا شدند. مهاجرت این جمع عظیم خادمان وطن خرابه های سنگین بر زندگی سیاسی، اجتماعی کشور ما است. ضربه ای که از مظلومانه ترین اقدامات ارتجاع حاکم علیه مصالح مردم میهن ما است.

در کنار مهاجرین سیاسی، مدعاها هزاران هموطن ما نیز صراحتاً در نتیجه تحمیلات ارتجاعی رژیم به همه ما مورزندگی آنان، در نتیجه محاصره مورخا معده دست آوندها و مدافعان قشری آنها و در نتیجه دشواری های فزاینده در زندگی روزمره و عادی جلالی وطن کرده اند. جمع کشوری از گزیده ترین مغزهای علم و ادب و هنر و صنعت ایران، جمع عظیمی از بهترین پزشکان، مهندسان، طراحان، اقتصاددانان، نویسندگان و شاعران و نقاشان و موسیقی سازان و سینماگران و استادان دانشگاه و غیره و غیره از مره مهاجرین ستمدیده های هستند که حتی در فاشیستی ترین رژیم ها نیز می توانستند راهی برای ماندن در کشور خود پیدا کنند. اما رژیم خمینی همه را به بی پرویی آنها بست. دانشمندان و متخصصانی هستند که حتی به دلیل نداشتن ریشی خود، به دلیل سربو معذور شدن در نمازهای دسته جمعی محل کار، به دلیل بیرون افتادن تارموی آنها از رجا رقد یا پوشیدن جوراب نازک، به دلیل بیداشدن نوارهای موسیقی جلد در خانه و ماشین آنها، به دلیل مشروب نوشیدن آنها در یک جشن خانوادگی، به دلیل استفاده از موسیقی در عروسی فرزند خود، و به دلیل مواردی ما نند عدم تابعیت از دست و آوندها برای بریدن انگشت دست و در آوردن چشم قربانان دادگاه های شرع، ناچار به جلالی وطن شدند. آیا تاکنون در کجای جهان دیده شده که رژیمی تا بدین حد حرمت

مردمی را که مال کند؟ آیا نه این است که حتی مخالفین رژیم نیز برای حفظ آبروی خود در برابر خراجان که می از مردمن همه خنایات آن ترم می کنند؟ آخر کدام است آن (نمی گویند) تمدن) غیر دیوانه آنها به وضع کشور ما می تواند این افسانه ها و واقعیت یافته را باور کند؟ مهاجرینی که بدین دلایل واهی و عجیب و شرم آور از میهن خود رانده شدند، کسانی هستند که جسیا رموارد کوی سفت را در تخصص و دانش و خلایق از هم تابان میزبان خود نیز برده و به تنهایی بر سینه کشورشان نشان افتخاری شده اند. در آلمان و آمریکا و بسیاری دیگر از کشورهای بیسرتنه، عده ای از بهترین و معتبرترین پرسورها، خراجا، روانشناسان، استادان دانشگاه ها، مهندسین، مدبران کارخانه ها، خیاطان، آرنیستک ها، متخصصین کامپیوتر و حتی برخی از دانشمندان علوم فضای ایرانی هستند. حساب کنید برای تربیت یک پرسور خراجا که ریاست فلان بیمارستان معتبر فلان کشور بسیار بیسرتنه غرب را به عهده می گیرد، چند سرمایه و استعداد دلازماست؟ حساب کنید دهها هزار دانشمند و مدها و صدها دانشمند متخصص در این سطح چه بهره ای بر می گیرد؟ حساب کنید دهها هزار دانشمند و متخصصی که اگر با زونا از کشور ما گواخته شدند، آنگاه با عداوت بیش از پیش فاش می شود. به کمک متخصصین ایرانی در مهاجرت می توان نامی اموری که کشور چند میلیونی را سازمان داد و سینه کوندهای موفقیت آمیز و با استفاده از عالی ترین سطح حد تخصصی پیش برد. این نیروی عظیم، نیروی مردم ما است. اینها فرزندان کشور ما هستند. اینها بخشی از مردما هستند، برای تربیت آنان مردم ما هزینه گزاف پرداخت می کنند. برای بهره گیری از کار و تخصص آنان مردم ما آرزوهای بسیار برورده اند. گواختن این نیرو و مظلوم کردن آن جنایتی هولناک بر ضد مردم ایران است. جنایتی علیه حقوق بشر و علیه حیثیت و شرف انسان است.

افزون بر این، صدها هزار ایرانی به دلیل نبود شغل و امنیت شغلی، به دلیل وابستگی خانوادگی به اعضا سازمان های سیاسی و خطری که از این جهت آنان را تهدید می کند، به دلیل فرار از جنگ و بیای خانمانی در نتیجه ویرانی عسای جنگ، به دلیل تسخیر در محیط های آموزش و تپید انکانات آموزشی، به دلیل تسبیحات ملی و قومی و مذهبی و خطری که از این جهت آنان را تهدید می کند، به دلیل جیال و غارتگران آوندها و سایرین و ما جوران آنها به هزار دلیل دیگر آواره غربت اند. این همه میهنان ما در بدترین شرایط زندگی خود اسیری می کنند. عدم امنیت بی قاعده و تهدید و خطری که به اشکال مختلف بر زندگی آنها در کشور ما افتاده، آنها را به غربت گواخته است. اکنون مهاجرت نیز بر جرم این توده عظیم ستمدیده فروزده شده و خطر آنکه حتی به همین جرم زندگی و خانه و آشیانه خود را از دست بدهند میان آنان و میهن شان جایل افکنده است.

چهار میلیون ایرانی مهاجر و آواره مبرم ترین خواستگان تامین شرایط بازگشتان به کشور است. سران ارتجاع، پس از قطع جنگ و سر بر آوردن مشکلات عظیم خود ساختن در برابر سازمان های کشور و بران، اینجا و آنجا سخن از لزوم جذب متخصصین مهاجر می گویند. اما آیا نه به جز

برخی حرف های تبلیغاتی، بپوک و بدون پشتوانه و تضمین تاکنون چیزی نگفته اند. همین حرف ها نیز با توسط خود گویندگان و ویا به گونه بارز و سوسط رهبران یعنی خلیفه جران بپوک و بساد هوا می شود. نطق های خمینی در طی ماه اسفند و خطری که وی در بازگشت مهاجرین از نگاه "حزب الله" ابراز کرد، به خوبی بی پایگی مواجندگی و نیم سند و تبلیغاتی رژیم روشن می کند.

خواست ۵ میلیون ایرانی و چهار میلیون مهاجر ایرانی این است که همه مهاجرین به کشورشان بازگردند. تعقیب و تهدید و بازداشت مهاجرین و ممانعت از بازگشت آنان به کشور، جنایتی است که باید با بیان با بدکاران و زندگس فرزدان خود، به مغز و زو و ابانکار و زندگس بروردگان خویش نیا زمیرد. ما زره بیکسر، مستگرا نه و موثر برای بازگشت مهاجرین به میهن، وظیفه انقلابی، انسانی و میهنی بزرگی است که همه سازمان های میهن پرست را ملزم به پیگیری آن در راه آن می کند.

بدون شک ارتجاع فقط همتی همچنان خواهد کوشید که در برابر این خواست مردمی بسد، حکومت مستبد آخوندی و تداوم هزاران تحمیل ارتجاعی در زندگی مردم خوددهان سادگی است که چه چهار میلیون هموطن مهاجر را از میهنشان دور نگه می دارد. در چنین شرایطی ضروری است که مستقل از اختلافات مسلکی، عقیدتی و سیاسی نیروی عظیم مهاجرین برای تحقق هدف بازگشت به هم بپیوندند. ما بد برای متحد کردن مهاجرین و به کار انداختن نیروی سترگ همکاری و اتحاد آنان، علیه رژیم استبدادی و به منظور دفاع از صلح و آزادی و بازگشت به میهن با تمام توان بکوشیم. با شاکه درد مشترک این جامعه چهار میلیونی، آفریننده مدلی و اتحادی با شاکه کشور عزیز ما را در دستا بی به صبح آزادی و بهروزی برای رسات.

اینچنین در چشم انتظار ی شب ها چندان دراز می گذرد که ترانه ریشه افشان کرده درخت و ابر بر بالیده است و آنا نکه به زندان ها اندرند، مادر! و آنا نکه روانه تبعیدگاهها شده اند هر بار که آهی بر آرند، نگاه کن! اینجا برگی برای این سپیدار می لرزد. "یا نیس ریستوس"

هراس خمینی ...
بقیه از صفحه ۳

روز کارگر را با شکوه برگزار کنیم

کارگران مبارز!

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داری، امبرالیسم و ارتجاع است. رژیم آخوندی به هر شوطه ای دست می زند تا روز کارگر را بی اعتبار سازد.

با تحریم گردهمایی های فرمایشی رژیم و برگزاری مستقلانه این جشن، توطئه رژیم ضد کارگری خمینی را خنثی کنید.

برای رسمیت بخشیدن به تعطیلی روز کارگر مبارزه کنید. تصویب و اجرای بی وقفه یک قانون کار دمکراتیک را مطالبه کنید.

برای تامین آزادی های سیاسی و سندیکایی، برای تامین اشتغال و بازگشت کارگران اخراجی بر سر کار، برای تامین حق بیمه بیکاری با شرایط مناسب و برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار مبارزه کنید.

برای بزرگداشت روز کارگر، در واحدهای سازمان کمیته سرگزاران جشن اول ماه مه را تشکیل دهید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بیامدهای فتوای تروویستی خمینی

هیاهوی آخوندهای حاکم بیرامون کتاب ت شیطان " نوشته سلمان رشدی، نویسنده تیاران انگلیسی، علیرغم اعتراضات جهانی در ماه مه نیز ادامه یافت. مدیریت اعتراضات ان، برخی از مسئولان حکومت که قسدهام بستی خمینی را برای سبط مناسبات رژیم با زبانی با رمی دیدند و دفاع از آن را در مجامع لمللی دشواری یافتند، تلاش کردند که این ای جنحالی را با دستاویز قرار دادن به اصطلاح خواهی نویسنده کتاب حل و فصل کنند و این آرا به پایان برسانند. اما خمینی این ها را عقیم گذاشت.

افکار رعمومی جهان علیه کسناخی خمینی اض می کند. پیش از یک هزار نویسنده از های مختلف جهان در دفاع از حقوق و آزادی در بریان اعتقادات و ایده های خود کمیته ای لمللی تشکیل داده اند. تشکیل چنین مجمعی بستندگان جهان یک اقدام کم نظیر است. تلاش نویسندگان قابل تقدیر و درخور حمایت جدی افکار رعمومی جهان دول اروپایی را نیز بر سه اض علیه فتوای خمینی واداشته است. این ن ها تحت فشار افکار رعمومی در جهان و کشورهای و در تعقیب نقشه های اروپایی، در مقابل خمینی واکتبی هماهنگ نشان دادند و مگرفتند که با محدود کردن مناسبات سیاسی خود بیم، آن را تحت فشار قرار دهند. تصمیم مشترک دولت ها که به حمایت دگرگون شده، اما به هر رژیم را که به حمایت غرب نیازمند است نجات قرار داده است.

در اجلاس کنفرانس اسلامی

در روزهای پایانی ماه گذشته وزارت امور خارجه کشورهای اسلامی در عربستان گرد آمدند. با تقاضا و امر از رژیم جمهوری اسلامی ما برای کتاب "آیات شیطانی" نیز در دستور کنفرانس اسلامی قرار گرفت. پیش از این بسیاری از مقامات کشورهای مختلف مواضع متفاوتی نسبت به خود کتاب و فتوای تروویستی خمینی علیه نویسنده و ناشرین آن اتخاذ کرده بودند.

سازمان کنفرانس اسلامی در بریان نشست خود با انتشار رپرتاژ نیه ویژه ای، انتشار و گنجانده آیات شیطانی را محکوم کرد و نویسنده آن سلمان رشدی را "مرد" اعلام کرد. در بیانیه از ما منع بین المللی خواسته شده که از شرط ملی که ها نسبت به مفدمات دینی است، جلوگیری کنند.

موضع گیری کنفرانس و انتشار آن ارتدادیسه سلمان رشدی که تحت تاثیر گریزهای عقب مانده و فتا رشعادی ارتجاعی است که این کشورها صورت گرفت، تا حدودی دست مقامات دستگیر شده چینی رژیم خمینی را برای تعلیفات و جنجال آفرینی با زکده است. نشاندگان و وورای خارج کشورهای شرکت کننده در کنفرانس که کم و بیش از فحایع بینما می گذرند، اطلاع دارند، به این همه ها نسبت ها و نتایج و زوارت به حریم زندگی انسان ها و اعتقادات مردم ما دیده غماض می نگرند، به جای

این که به این تحولات و سرکوبگری ها و فحایع ضد بشری و دخالت های بی جا در امور و سرنوشت مردم کشورهای دیگر که توسط رژیم خمینی صورت می گیرد، حساسیت و عکس العمل نشان دهند، برای سیاست ها و اقدامات تحریک آمیز، مدخله جویانه و ارتجاعی رژیم خمینی توجیه مناسبی داده می آوردند.

لازم به تأکید است که کنفرانس اسلامی در عربستان کشورهای اسلامی در عین حال با رد فتوای تروویستی خمینی مبنی برقتل سلمان رشدی، توسل به چنین روش های را مردود و ناهنجار و عملا تلاش رژیم خمینی در کشاندن سایر کشورها به حاشیه را از فتوای خمینی به شکست انجامید.

اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی، علاوه بر موضع گیری فوق تحت تاثیر و توصیه نما بنده رژیم مترجع سعودی و برخی دیگر از وزرای دولت های ارتجاعی، نما بنده ای از به اصطلاح دولتی که توسط نیروهای ارتجاعی مخالف حکومت قانونی افغانستان تشکیل شده است را به جای نما بنده و هیئت نما بنده ای دولت افغانستان پذیرفت. این پذیرش علیرغم مخالفت های نما بندگان برخی دولت از جمله الجزایر، سوریه، لیبی و یمن صورت گرفت. اجلاس عملا با این شناسایی برآدا مسه رویارویی نظامی و جنگ داخلی در افغانستان که به امر از این نیروی صورت می گیرد، منع گذاشت و در مقابل خواست میلیون ها مردم مسلمان و زحمتکش افغانستان که از جنگ خسته شده و خواهان صلح و سازندگی اند، قرار گرفت.

مساله افغانستان راه حل نظامی ندارد

جنگ در افغانستان علیرغم خروج نام و تمام نیروهای نوری از آن کشور همچنان ادامه دارد. نیروهای ایوریسیون حکومت افغانستان برای تسخیر چند شهر مهم افغانستان بر دامن حملات خود افزوده اند. این نیروها که یکی از یک تانک سخت و طولانی در راه جا دنیا هم به علت خدت ضا ده های درونی تا کام نمانده، به تشکیل یک "دولت ایوریسیون" کدخی آنرا را در بر می گیرند، بسنده گردید. نیروهای مخالف دولت همه قوای نظامی، انسانی و تعلیقاتی خود را بسیج کرده اند تا با بدیگی و دستبرد عمده افغانستان را تسخیر و در آنجا "دستگاه دولتی" خویش را مستقر سازند. جلال آباد یکی از شهرهای غربی کشور به علت وضعیت استوار لجینی و ویژه نزدیکی آن به خاک باکستان مورد توجه ویژه نیروهای مخالف قرار دارد. تریه یک ماه است که "حما هدین افغان" در چند کیلومتری سویل شهر مشغول جنگ سختی با نیروهای دولتی هستند. هم اکنون جنگ در جلال آباد به یک مسئله حیاتی می برود. دولت افغانستان و هم برای نیروهای ایوریسیون تبدیل شده است. ایوریسیون نگران آن است که با شکست در این جنگ، اعلام "تسورای حکومتی" آن بر روی کاغذ نماند و به لحاظ سیاسی ای نرسود.

افراطی مسلح گرفته تا نیروهای منتقد مساعدت بسیار رتموده است. در جهت نثار دنیروهای افراطی مخالف، تا ثیرات مهم خود را بر جای گذا رد. عدم شرکت ائتلاف همت گانه در شورای حکومتی جدیدالتاسیس، اعتراضات فراوان ظاهر شاه و فرما ندها ن داخلی مخالف دولت علیه شورای فوق را با بدست نه های دیگری از موفقیت و حقانیت مش. مصالحه ملی دانست.

"دولت ایوریسیون" اعلام شده تنها توسط رژیم عربستان به رسمیت شناخته شده است. رژیم سعودی که از رهبران کار آمدن حکومت است مردمی در افغانستان به کمک مرتجع ترین نیروهای مخالف دولت شناخت، در طول این ده سال از خانه دلارهای نفتی بیدریغ به آنان با یاری رسانده است. به رسمیت شناخته شدن "دولت ایوریسیون" توسط عربستان عمدا متوجه عملی کردن وظایفی است که دولت امریکا در رابطه با سرکوب انقلاب افغانستان و پایان بخشیدن به حاکمیت مردمی در این کشور به عهده ریا ض گذاشته است. تقسیم کاری که هم اکنون بین رژیم های سعودی و پاکستان در این رابطه صورت گرفته، در شعله ور نگه داشتن آتش جنگ داخلی در افغانستان و امر از نیروهای ایوریسیون برآه حل نظامی تا ثیرات خود را بر جای گذاشته است. آخرین اقدام حاکمیتی رژیم سعودی، وادار کردن سایر کشورهای عضو جامعه کشورهای اسلامی به پذیرش "دولت ایوریسیون" به جای دولت قانونی افغانستان در حاصه فوق بود که به کمک تعداد دیگری از سران مرتجع کشورهای اسلامی صورت گرفت. رژیم پاکستان نیز همچنان به مدخله آتشک و مستقیم علیه افغانستان ادامه می دهد. اخیرا تعدا دسرا زان و مشاوران نظامی با کستان در جبهه های جنگ افزایش چشمگیری پیدا کرده. عهده زبانی از آنجا به همرا ه محاهدین افغانی در اطراف جلال آباد کشته شده اند. پاکستان و امریکا به عنوان امضا کنندگان قرار داد ژنو نه تنها تا کنون به تعهدات خود در قبالی حل مسئله افغانستان پای بند نبوده اند، بلکه هر روز که می گذرد بر تحریکات و کار رکنی های خود در این راه دوا منده حمایت های خود از نیروهای مخالف دولت می افزایند، مقامات واشنگتن جندی پیش برای جندمین بار و قفا نسه اعلام کردند که همچنان به کمک های خود به ایوریسیون مسلح خدا نقلا می افغانستان ادامه می دهند. و این در حالی است که با خروج قوای تسوروی از افغانستان دیگر هیچگونه توجیه و بیانه تبلیغاتی نه برای دولت امریکا و پاکستان و نه برای نیروهای ایوریسیون باقی نمانده است. حاصل سیاست ها و اقدامات مدخله گرایانه امریکا و پاکستان چیزی جز فزایندگی و ویرانی و کشتار برای مسسردم افغانستان نبوده است. مردم افغانستان نگران آینده خود هستند. آنها نمی خواهند بر سران همان ساید که بر سر مردم مگرتند در سال گذشته آمد. نیروهای افراطی ایوریسیون چه رضد بسری خود را در فاجعه قتل عام زنان و مردان، کودکان و بیبران این شهردر محاصره غذا می وموتک بیاران دیگر شهروندان داده اند. حزب و دولت افغانستان یک بار چه مصمم هستند با اجرای بیگیرانه منی مصالحه ملی و سازندگی ملخ و آرا منی به کشور، از حاکمیت ملی، شما میت ارضی و استقلال افغانستان دفاع کنند.

فتوای تروویستی خمینی علیرغم حمایت های مل مرتجع مذهبی در برخی کشورها، جمهوری ای را در جهان بی آبرو و ترکدوامیت سرکوبگر دی کش آن را عیان تراخت. این واقعه به از پیش روشن کرد که رژیم ایران به جای مبارزه تی در مقابل مخالفین فکری خود تنها نیروی ثوب را تحویز و اعمال می کند. سر با کردن این توسط خمینی وادغ نگهداشتن طی این توسط آخوندهای حاکم اهداف مبینستی را ل می کرد. این ماجرا موبد تلاش خمینی برای رف کردن اذهان مردم مینما از مناسبات بسیر و مسایل حادی است که با آن درگیرند. خمینی بمل به این ماجرا گوشید احساسات و باورهای وان قشری مذهبی خود را تحریک کنند و آن دمت مشکل کردن آنرا قرار دهد و بر تفرقه ندهستگی بیروان ولایت فقیه که برای حفظ وری اسلامی زبان با راست علیه کند. خمینی نین می گوید با سوا استفاده از باورهای مذهبی ه های مسلمان در کشورهای مختلف آنرا در راه افبان اسلامیستی خود به خدمت بگیرد و خود عنوان زعیم و رهبر جهان اسلام در اذهان مردم رهای اسلامی حاشیا ندهد و از این طریق نیز سبب بی برای علیه بر اوضاع ناسامان کنوردست و تدواری عمادی بیشتر بیروانش جلوگیری بید.

کارنا مه سبب خمینی در قتل و ویرانی، ما به ایی تلاشهای خمینی است و اثر بخشی آن را و دو مچود ترمی کند.

اقدام تروویستی خمینی جلوه ای از استبداد بین حاکم کشورها است. فتوای خمینی موبسد پیش روی گسترش استبداد مذهبی در دیگ طق مسلمان نشین جهان است. فضای ماهیت امات رژیم در سراسر جهان توسط محافظین قی ایران و چین، به مردم مناطق مسلمان نشین ر کشورهای در شناخت جمهوری اسلامی و اهداف وان آن در آن کشورها کمک جدی می کنند. ساندین چیره و واقعی رژیم حاکم بر مسین مساط نیروهای مترقی ایران در خارج از کشور یک فملی و بین المللی و یک اقدام انسانی است. احترام به باورهای مذهبی مردم، اعتقاد دهر ان آزاد اندیش است. در عین حال ساندین داندیشی ایجاب می کند که به آزادی انسان ها شرقا بد مذهبی و غیر مذهبی احترام گذاشته . وقتی خمینی به خاطر انتشار یک کتاب که سبب سلیقه و معتقدات انویست، فرمان قتل سنده آن را صادر می کند، این ارشاد رجدی به محافل و احزاب مترقی جهان، دولت ها و مجامع ای اعتبار بین المللی در دفاع بکسرا از حقوق به انسان ها و در دفاع از آزادی وجدان و عقیده ه ه است.

احمد در این ماجرا در خور تامل و سوال برانگیز است. رفتار سواد گرایانه دولت های اروپایی است. با این دولت ها افسا کار ادای آن در دفاع از قی سراسر و موبد آن است که ناکدای مانع دولت ها به مینا می آید. دفاع از حقوق بشر ایه قرار می گیرد.

روز کارگر را گرامی بداریم

یادنامه رفیق فداکار فدایی خلق خلیل هوشیاری

یادنامه رفیق فداکار فدایی خلق ناصر عطا

سنت انقلابی بزرگداشت روزکارگر، سنت قوامبخشی همبستگی رزمی کارگران سراسر جهان از هرزاده، حسن، طبیعت و فرهنگ است. اول ماه مه، بنا بر تکریم لندگی، دوازدهم فروردین است. کارگران و مبارزانی که در این روزها با وجود فقر، محنت و بیبرکتی، تبعیض و نابرابری و استعمار و استعمارگر، روزی را می‌سازند.

در ایران اسیران تملک‌دهنده، در ایرانی که زیر سلطنت ارتجاع آخوندی و استعمار لگام گسیخته سرمایه‌داری ناکزیر است حتی به خاطر بدبختی بدبختی ترین و ابتدایی ترین حقوق فاسدسردی و احتیاجی مبارزه کنند، در ایرانی که در آن محنت و خرافه پرستی، تبعیض و نابرابری و استعمار و استعمارگر، تبعیض اجتماعی و فسادگرایی اقتصادی، بی‌عدالتی می‌کند، در ایرانی که در آن تبعیضات اجتماعی، استبداد مذهبی، خودمختاری، پیچیدگی، گرامی‌سازی، کارگر، برافراشتن پرچم آن و رساندن پیام آن به توده‌های میلیونی مردم، وظیفه‌ای است خطیر که امروزه مبارزان رزمی در برابر نیروهای پیشرو و آگاه میهن‌مان قرار دارند.

در شانزدهم ماه مه، در پرتو مبارزات بی‌کریانه طبقه کارگر ایران طی ۶۸ سال اخیر، جنبشی در سیه‌ترین دوره‌های تسلط استبداد سلطنتی و فتنه‌های نیز، هیچگاه از زمانه‌های زحمتکشان میهن ما فرو نیفتاده است. نه‌دیگه توری زمانه و محمد رضا شاه استبداد سیه‌فکرها، هیچگاه مانع تداوم این سنت انقلابی و مردمی نشد. رژیم آخوندی ابتدا تمام مکان‌ها را برای تادیبه گرفتن و منسوخ کردن این سنت و بی‌اعتبار کردن آن به‌کار گرفت. اما وقتی که از این سوطنه‌گرایی نیست، تلاش کرد برپای بی‌مهری و بی‌عدالتی، به‌زعم خود استکبار عمل را در برگیرند. این جنبش به‌دست‌گیران را به تریبون تبلیغات جنگ طلبانه و ضد دیگران تحکیم بدل کند. اما اغلب کارگران با امتناع و اکراه از شرکت در مراسم فرمایشی رژیم و با سرکشی از استقلاله این جنبش در احوالشان، رژیم را در دست‌یابی به هدفش ناکام کردند.

۱۰ سال نیز رژیم فداکاری خمینی تلاش خواهد کرد با سیج باندهای انجمن اسلامی واحدهای مختلف، مراسم خیمه‌شب‌بازی را رونق بخند و به نام کارگران قطعنامه‌های میهن‌نویس و فداکاری نسبت به خمینی و پشتیبانی از رژیم آخوندی صادر کند. اما سال نیز وزیر کار رژیم آخوندی با کم‌مال و قاحت خواهد کوشید به بیروی از منویات مصرع‌در نامه بیستم‌دیماه ۶۷ خمینی به کارگران، طبقه کارگران را از دس‌ال حاکمیت جمهوری اسلامی همچنان به‌ریختگی و "فنا عت" تشویق کند و از "رفاه طلبی و مصرف‌گرایی" سرخوردارد.

اقتضای ای‌مان با واه‌های مقامات حکومتی علیه کارگران، یکی از وظایف مهم فعالین کارگری و از ضروریات بزرگداشت روزکارگر و پاسداری از این سنت است. اقتضای ترفندهای فداکارگری و تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم و سیج توده‌های کارگران برای سرکشی از استقلاله جنبش، قبل از هر چیزی سرکشی کارگران و آگاه‌ها را از زمانه‌های نیکو و بی‌برکتی و بی‌برکتی کارگران آگاه‌ها است. شرط مقدم سرکشی از استقلاله جنبش، روزکارگر، از یک‌دکمه‌های سرکشی از استقلاله جنبش است. بدو هر دو احداث وظیفه تدارکاتی این کمیته‌ها کار توضیحی در باره مناسبات این روز در میان توده‌های کارگران، تکریم و تکریم‌گرا می‌باشد آن و برانگیختن کارگران به شرکت فعال در برگیرند این عید کارگری است. سیج توده‌های کارگران برای شرکت در جنبش، مستلزم استفاده از تجارب گذشته و ویژه تجربه برگیرند از جنبش در سالهای اخیر و نیز دست زدن به ابتکارات جدید است. کمیته‌های کارگری جنبش باید همه مراسم سنتی برگیرند روز کارگر نظیر تجلیل از کارگران قدیمی و خد متکرار، تبادل هدایا، سرکشی از سخنرانی‌های بدعوتی مناسبت این روز و مضمون آن، و طرح مهمترین مطالبات و شعارهای صنفی و سیاسی کارگران، به‌نوع مقتضی انجام دهد. مبارزه علیه سرکوب‌آزادی‌های سیاسی و سندیکیسی (از نقض آشکار حق شکل صنفی گرفته تا سرکشی، مبارزه با زدن و عدم فعالیت و پیشروان کارگری) و نیز اقتضای سیاست فداکاری رژیم در مطلق نگاه داشتن سرنوشت قانون کار، دموکراسی افشاگری و تبلیغات آگاه‌ها را به نیروهای پیشرو و بی‌سازمانه هدهدهای کارگری است.

۱- هم‌وظایف کارگران پیشرو و آگاه در تدارک و برپایی جنبش اول ماه مه سال عیار رشتندار:

۲- تشکیل کمیته‌های برگیرند از جنبش اول ماه مه در همه واحدهای تولیدی و خدماتی.

انقلابی برپا بدهد، رفیق خلیل هوشیاری پس از تحمل ۹ سال شکنجه در زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی، توسط رژیم‌ها حکم تیرباران شد. رفیق خلیل در سال ۱۳۲۶ در لنگرود در خانه‌های زحمتکش و پیرا و ولادت متولد شد و در وضعیت معیشتی بسیار دشواری موفق شد دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را بگذراند. زندگی خلیل از کودکی با کار روزحیثت عین بود. و برای گذران زندگی صنایع مختلفی را از آنجا دوری و میرزا بنیسی گرفته تا رانندگی طی کرد و سرانجام کارگری از کارخانجات رشت شد. با برآمدن جنبش فداکاران خلق، رفیق خلیل در ارتباط با رفیق شهید بهروز ارمانی و رفیق شهید حسن فرجودی فعالیت سیاسی و سازمانی را گسترش داد و با تمام وجود در راه آرمان فداکاران خلق کمر بست. رفیق خلیل در همین دوره مدتی نیز با رفیق شهید علی اکبر جعفری همکاری می‌کرد. پس از شهادت رفیق ارمانی، خلیل از کارخانه نیروان آمد و در شرایط قطع ارتباط با سازمان به فعالیت سیاسی محلی پرداخت. در سال ۵۶، پس از آزادی رفیق محمد حسن دیانگ شوری (مستور) از زندان رژیم شاه، رفیق خلیل در شانزدهم فروردین ۵۶ رفیق دیگر اقدام به تشکیل هسته اولیه گروه روزبه نمود. گروه روزبه سه‌یک از بنیانگذاران گروه‌های هوادار سازمان در شمال و تهران شد. این گروه به ویژه در میان زحمتکشان حوادث و خاک سفید تهران از آنفودوبی‌یکه‌ها اجتماع فوجی‌های سرخوردار بود. گروه روزبه در جریان سرکشی و واچگیری انقلاب، یمن، در برپایی تظاهرات خیابانی، حفاظت تظاهرات، سرکشی از مناسبات عکس‌نمایی سازمان، تکثیر و پخش اعلامیه‌ها و تراکت‌ها، دستگیری‌های خیابانی و سرانجام دستگیری در گان‌ها و مراکز مأموریت، سیم‌سازی داشت.

پس از پیروزی انقلاب، رفیق خلیل فعالیت سیاسی را در کمیته شهر لنگرود ادامه داد. او که به واسطه فعالیت عمیقاً مردمی و سرکشی‌های بارز اخلاقی‌اش از محبوبیت خاصی در میان توده مردم برخوردار بود، توانست در تقویت و گسترش با یکا توده‌های سازمان در میان مردم نقش‌های فوق‌العاده‌یوشا بگذراند.

رفیق خلیل هوشیاری در جریان ما موریتیسی سازمانی - جهت نقل و انتقال سلاح‌های کسودر جریان قیام صا در دهه‌یوشا - در دیماه ۵۸ به همراه ۴ رفیق دیگر در تهران دستگیر و زندانی گردید. او در برابر شکنجه‌های مکرر در زندان جمهوری اسلامی سرفرازی و استقامت تحسین انگیزی این توده‌ها آنجا نگه‌داری فداکاری خلق است، برمی‌تابد خود با خلق باقی نشد. رفیق خلیل در تقویت روحیه و زندان‌ها سیاسی جوان در شکنجه‌ها هم از رژیم، نقش موفقی داشت. او یکی از فعالین اصلی نخستین اعتصاب غذای زندان‌ها سیاسی در ایران بود.

جلادان اوین که پس از ۹ سال شکنجه برای به‌زاد آوردن این فرزند دلاور خلق، بی‌بونی خود را در با فتنه، سرانجام جان با کس را تا ج کلوله کردند، در باره تاناک رفیق خلیل دردل توده‌ها جا و بدو حماسه‌یابیدار، زان، الهام بخش مردم زندان‌ها است که راه‌های و پیروزی خلق را می‌بویند. □

آنکا که‌ها و را به‌خوخته‌اش سپردند، گرم طراوت ۲۶ سپا را در جانش داشت. در شهر بند شهربان و سپا را رنج دیده‌گوشود و در اما منا نجیب و مردم دوست با لیدر شگفت. ما در می‌گفت "ملک شدنا نگ نندارم ولی یک ناصر درام که وقت در کوه می‌گذارد، کوه روشن می‌شود".

سپهر چون تخیلی استوار به‌باشی نشست. ا به‌دا نشکده علوم انسانی در آنجا تهران را به‌دا از دانشجویان مبارز و هوادار فداکاران خلق گر جامعه‌شناسی را به‌با بی‌ان رساند و دبیر دبیرستان کرمان شد.

در انقلاب بهمن با زوان سرتیرو ناصر، کمیته شن می‌گشود و با همکاران خودش بر طبقین آواز شرب سرود ای رفیقان در کوه‌های جان می‌نشست. فروش، با هستی و کارش کوه‌ها و دل‌ها را روشن می‌بخشید. پیام آور فداکاران خلق و بیگ انتقال بود او.

در سازمان تندی هواداران سازمان در اس کرمان با تمام توان کوشید و از نخستین با نی تشکیلات سازمان در این استان بود. مسئولیت انتشارات را در کمیته‌ها با لیتی نیز داشت. وقت آخوندی، فقیه کرمانی، رفقا علی و سعید میرشک را ترور کردند و مردم سرکوب‌ها دانشجویان پیشگام ما سرور با بل تکلیف و انتشارات را با خانه‌ها به‌خانه‌ها می‌گرد و اعلامیه‌های کمیته‌ها سازمان در استان کرمان را به‌دفاع از جان دانشجویان در بدست می‌گرفت. او با چنان خونسردی و دقتی وظایف انقلابی‌اش را پیش می‌برد که با وجود پیگرد‌های کمیته‌ها و عمل دادگاه انقلاب اسلامی کرمان شنا می‌ماند.

رفیق ناصر به‌دست‌دبیری متعهد و دلس محبوب دانش آموزان و همکاران بود. او با عین عشق و دوستی بود. رفیق ناصر توسط کوردلان جا از ادا به تدریس محروم گردید.

در او خراسان ۶۲ مجبور شد برای کما زندگی به‌تهران برود. او ضمن کار در یکس واحدهای بزرگ مربوط به تاسیسات برق و فوش قوی، مسئولیت سنگینی را به‌دست‌هیک کار در با تج در یکی از مهمترین گروه‌های مرکزی سازمان عهده‌دار شد. رفیق ناصر مسئولیت تدارکات بسیاری ارتباطات علمی را به‌عهده‌داشت و مانند همیشه خونسرد و گشاده‌رو و وظایف خطیر سازمانی را علیرغم شرایط دشوار کار بی‌گناهانه تحس می‌داد. در سال ۶۳ ازدواج کرد و صاحب فرزندی که پیش از آنکه نام پدر را آواز دهد، پدر از گزگ خون آنا خمینی بودند. رفیق ناصر سه‌ماهه زب شکنجه‌های حیوانی رژیم قرار داشت. شکنجه‌ها چنان جشش را فشرده‌گذا ز نخل سبوقا متش نشد ستونی تکیده‌ها با برجا و کاکلی پیرشان برجام که چونان پرچی به‌باشنا ایستادگی در اهتزاز بی‌مروخن نگفت.

در بیادگاه‌ها سلامی ابتدابه ۱۲ زندان محکوم شد ولی همانند دیگر هم‌زنجیر آهین عزمی در شهر بویا به ۶۷ به‌ا ناره حماران در برابر خوفا عدا مقرار گرفت. بدیند نخل بلند استوار گردید، نشان، افشا تنده‌ها ایمان و امید به پیروزی و پیروزی مردم، ایستا مرد، بر چرخ طراه‌اش جا و دادش در اهتزاز باد.

زندانی سیاسی آزاد باید گرد

آدرس
P. 10
1091 WIEN
AUSTRIA

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

۲- تحریم مراسم فرمایشی رژیم و برگیرند از استقلاله جنبش از طریق سیج توده‌های کارگران.

۳- تبلیغ بیگرو گسترده برای تشبیهات روزکارگر به عنوان روز تعطیل رسمی.

۴- تشویق کارگران به طرح مطالبات اساسی صنفی - سیاسی تا از قبیل، تدوین و اجرای قانون کارمکراتیک، نامین آزادی‌های سیاسی و سندیکیسی و منع تشقیب و سرکوب فعالیتسین و پیشروان کارگری، سرکشی از اشتباهات مکرراتیک برای ایجاد شکل‌های صنفی مستقل، نامین اشتغال، امنیت شغلی و بازگشت اخراجی‌ها برسر کار...

۵- تبلیغ بیگروانه و وسیع شعار انحلال انجمن‌های اسلامی به‌منابا کارگران‌های پلیسی و لانه‌های حاسوسی رژیم در میان کارگران.

۶- تبلیغ و سرکشی از کارگران در توضیح تاریخچه و مضمون اول ماه مه برای توده‌های کارگران.

۷- تلاش برای صدور رسال پیام همبستگی با کارگران و زحمتکشان جهان و نیز جلب حمایت و پشتیبانی سازمان‌ها و سروهای کارگری و شرقیخواه‌ها چنان‌که رسالات عادلانه مردم ایران به‌ویژه نجات‌شان زندان‌ها سیاسی کشور و تشبیه سرکوب و عدم فعالیتسین و پیشروان کارگری ایران □